

میراث علی اکبرخان نقاشباشی (مزین الدوله) در آموزش، فرهنگ و هنرهای نوین ایران

مرتضی رسولی پور

چکیده:

درباره زندگی و خدمات فرهنگی، آموزشی و هنری میرزا علی اکبرخان نقاشباشی (مزین الدوله) و جایگاه او در تاریخ فرهنگ و هنر نوین ایران تاکنون نه تنها کتاب مستقلی که بر اسناد و مدارک قابل اعتماد مبتنی باشد، تحریر نشده بلکه بیشتر مقالات و مطالبی که در مورد او به طبع رسیده نیز حاوی پاره‌ای ایرادات، کاستی‌ها و اندکی غرض‌آلود بوده و شباهی ناقص و غیرمستند بر جایگاه هنری او انداخته که تفصیل آن خود کتابی جداگانه است. در این مقاله ضمن معرفی مزین الدوله و خاندانش و نیز بررسی جایگاه او در آموزش، فرهنگ و هنرهای نوین ایران (نقاشی، موسیقی، تئاتر) و تعلیم زبان فرانسه، می‌کوشیم برخی ایرادات را توضیح دهیم.

کلیدواژه‌ها

مزین الدوله، نقاشی، تئاتر، موسیقی، آموزش زبان، قاجار، اسناد.

آرشیو ملی، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۳؛ صص: ۶۰-۱۰۰



میراث علی اکبر خان نقاشباشی (مزین الدوله) در آموزش، فرهنگ و هنرهای نوین ایران

مرتضی رسولی پور*

مقدمه:

قدیمی‌ترین فرد از خاندان مزینی (مزین) که سند رسمی از او در دسترس باشد، میرزا محمدحسین خان کاشانی از ملاکان منطقه کاشان و نطنز است. وی در اواخر دوره زندیه تقریباً در ۱۲۰۸ ق.، مطابق ۱۷۹۳ م. زاده شد و در ۷۴ سالگی، در ۱۲۸۴ ق. / ۱۸۶۷ م. از جهان فرو بست. میرزا محمدحسین خان با آنکه استطاعت مالی و سواد کافی داشت، برخلاف رسم معمول و نیز رویه‌ای که بعدها فرزندان و نوادگان او پیش گرفتند به مشاغل دولتی وارد نشد.^۱ میرزا محمدحسین در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ / آوریل ۱۸۴۷ در نطنز صاحب فرزندی شد که او را علی اکبر نام نهاد.^۲ مطابق یادداشت‌های رسمی امیرنظام گروسی (سفیر ایران در فرانسه)، علی اکبر از وابستگان فرخ‌خان امین‌الدوله کاشانی قلمداد شده است (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۵ ذی‌حجه ۱۲۸۱، ص ۷). وی از کودکی در فراگیری دروس و به‌ویژه نقاشی استعداد خوبی از خود بروز داد، از این‌رو زمانی که فرخ‌خان امین‌الدوله^۳ در ۱۲۷۲ ق. / ۱۸۵۷ م. از سوی ناصرالدین‌شاه به‌منظور مذاکره و رفع مسئله هرات به‌عنوان سفیر فوق‌العاده عازم پاریس شد، به‌دلیل نزدیکی به محمدحسین خان که علاقه مفروطی به ادامه تحصیل فرزند خود داشت، علی اکبر را به‌طور غیررسمی همراه خود به پاریس برد. علی اکبر به‌مدت یک‌سال در مدرسه‌ای در پاریس به آموزش نقاشی و زبان اشتغال داشت تا اینکه در ۱۲۷۵ ق. / ۱۸۵۹ م. بنا به پیشنهاد

* پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم
سیاسی، مسئول واحد تاریخ شفاهی
مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران؛
rasoulipour1962@gmail.com



فرخان، ۴۲ محصل از سوی دولت ایران برای تحصیل عازم اروپا شدند و علی‌اکبر نیز جزو این گروه دوباره راهی فرانسه شد.^۵

گروه محصلان اعزامی بین پنج تا نه سال در فرانسه اقامت گزیدند و بنا به گفته عیسی صدیق‌اعلم «قسمت عمده نهضت فکری ایرانیان و پیشرفت‌هایی که بعدها در فرهنگ و علوم جدید حاصل شد به‌واسطه مقدماتی بود که این افراد آماده کردند».^۶ با این‌وصف تا این زمان هنوز در آثار به‌جا مانده از آن‌دوره و کارهای بعدی در مورد اقدامات این افراد و تأثیری که در فکر و رفتار جامعه ایران از خود باقی گذاشته‌اند، تحقیق شایسته و جامعی انجام نگرفته است. به هر روی، محصلان اعزامی در فرانسه به ایران‌شناس معروف الکساندر خودزکو^۷ سپرده شدند که از میان آنان چند دانشجو بیش از دیگران معروف شدند و میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی یکی از آن‌ها بود. تعدادی از محصلان که نسبت به بقیه شهرت بیشتری یافتند به شرح زیر عبارت بودند از:

۱- میرزا محمودخان محمودی ملقب به مشاورالملک که در رشته نجوم به تحصیل پرداخت و مدتی در رصدخانه پاریس فعالیت کرد. معروف است ستاره‌ای هم کشف نمود که به‌نام «محمودی» ثبت شده است. او پس از مراجعت به ایران، به‌جای تأسیس رصدخانه و تدریس نجوم، در زمان واقعه رژی، ژنرال کنسول ایران در بغداد بود. مدتی نیز مدیریت اداره پست و تلگراف را به‌عهده گرفت.^۸

۲- میرزا مهدی‌خان شقاقی (ممتحن‌الدوله) که در رشته معماری تحصیل کرد. از جمله آثار معماری مشهور وی می‌توان به ساختمان‌های مسجد سپهسالار (شهید مطهری کنونی) و قصر فیروزه اشاره کرد که طراحی و نقشه‌کشی آن‌ها را انجام داده است. او بعدها در شمار معاونان وزارت‌خارجہ قرار گرفت و کتابی به فارسی به‌نام «مآثر مهدیه» درباره قواعد دیپلماسی و حقوق بین‌الملل تألیف کرد.

۳- میرزا رضاخان گرانمایه (مؤیدالسلطنه) که بعدها در ۱۳۰۳ق. به‌عنوان نخستین سفیر ایران در آلمان تعیین شد و تا ۱۳۱۷ق. در این‌سمت باقی بود تا اینکه در ۱۳۲۶ق. در دولت یک‌ماهه حسین‌قلی‌خان مافی (نظام‌السلطنه) به وزارت عدلیه رسید.

۴- میرزا نظام‌الدین غفاری (مهندس‌الممالک) پسرعموی فرخان امین‌الدوله که بعدها از ریاضی‌دانان به‌نام دوره ناصری شد و چندین‌بار به وزارت رسید و علاوه‌برآن در بعضی مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه ملترزم رکاب آنان بود.

۵- میرزا زین‌العابدین‌خان غفاری (شریف‌الدوله) که برادر مهندس‌الممالک بود و مدتی بعد از مراجعت به ایران، مترجم مخصوص دربار شد و مدتی هم ریاست اداره محاکمات وزارت‌خارجہ را به‌عهده داشت.



۶- میرزا علی اکبرخان نقاشباشی (مزمین الدوله) که تمام مدت عمر طولانی خود را در مشاغل درباری، تدریس در دارالفنون و نظارت بر امور فرهنگی کشور گذراند و تحولات چشمگیری در فرهنگ و هنر نوین ایران به وجود آورد. وی در مقایسه با سایر معلمان، بیش از همه در دارالفنون تدریس کرد طوری که افزون بر ۵۰ سال در این مدرسه به تدریس زبان فرانسه، نقاشی و تئوری موسیقی اشتغال داشت.^۹

مزمین الدوله و هنر نقاشی

میرزا علی اکبرخان چون از کودکی مایه خوبی از ذوق و سلیقه و قریحه هنری داشت، پس از عزیمت به اروپا در مدرسه هنرهای زیبا^{۱۱} در پاریس تحصیل کرد و به خصوص نقاشی را نزد انگر^{۱۲} آخرین نقاش بزرگ و نام آور کلاسیک اروپا که فرانسوی بود آموزش دید و با پشتکار فراوان طبع هنری خود را پرورش داد. روزنامه دولت علیه ایران در یکی از شماره های خود با اشاره به این مطلب چنین نوشته است:

آقا علی اکبر کاشی از وابستگان امین الدوله و متعلمین دولتی است؛ جوان با استعداد و قابلی است. بعد از سه سال تحصیل مقدمات در مدرسه دیپ به حکم وزیر مختار، او را به پاریس آورده به صنعت نقاشی گذاشتند و حال دو سال است با کمال سعی و مراقبت مشغول این صنعت است و ترقیات زیاد کرده است. معلم او زیاده از حد از او راضی و خشنود است (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۵ ذیحجه ۱۲۸۱ ق.).

پس از آن نیز در دانشگاه جنگ فرانسه معروف به سن سیر^{۱۳} نزدیک به یک سال تعلیمات نظامی فرا گرفت و پس از نه سال اقامت در فرانسه به ایران مراجعت کرد^{۱۴}. علی اکبرخان در بدو ورود به عنوان پیشخدمت مخصوص ناصرالدین شاه مشغول خدمت شد و همزمان معلمی زبان فرانسه و نقاشی شاه را به عهده گرفت و لقب خانی دریافت کرد. در رمضان ۱۲۸۸ ق. با فرمان و دستخط ناصرالدین شاه به نقاشباشی ملقب شد (بامداد، ۱۳۴۷، ص ۴۲۶؛ روزنامه ایران، ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ ق.).^{۱۴} قبل از او صنیع الملک غفاری (عمومی کمال الملک) این عنوان و لقب را داشت^{۱۵}.

مدتی بعد در کنار مسئولیت دربار، در دارالفنون به تدریس رشته های نقاشی، زبان فرانسه و موسیقی نظامی مشغول شد و بیش از هر استاد دیگری در آن مدرسه کار کرد. پیش از او یک فرانسوی به نام کنستان^{۱۶} که در زمینه نقاشی روی ظروف چینی تخصص داشت تا سال ۱۲۸۸ ق. عهده دار تعلیم نقاشی در دارالفنون بود. بلافاصله بعد از او علی اکبرخان نقاشباشی (مزمین الدوله) تا ۱۳۴۲ ق. به مدت ۵۴ سال در این مدرسه نقاشی، زبان فرانسه و موسیقی تعلیم



داد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۳).

وی نخستین ایرانی بود که در مورد نقاشی آکادمیک و پرسپکتیو^{۱۷} که علم تسطیح و ترسیم دورنماست کتاب نوشت و با چاپ سنگی آن را در اختیار شاگردان قرار داد^{۱۸}. البته پایه‌ریزی اصول پرسپکتیو را اکثراً به اشتباه به کمال‌الملک نسبت می‌دهند در حالی که استاد او (مزمین‌الدوله) دو دهه پیش از او به تدریس این علم اقدام کرده بود. حتی صنیع‌الملک که اولین مدرسه نقاشی را دائر کرد، غالباً اصول پرسپکتیو را رعایت نمی‌کرد و کلاً شاگردان شاخصی هم به جامعه نقاشان تحویل نداد^{۱۹}. در حقیقت میرزا علی‌اکبرخان، بانی نقاشی آکادمیک در ایران بود و به مدت نیم‌قرن نقاشی اروپایی را با اصول علمی از آناتومی تا نقاشی مناظر و مریا تدریس کرد و در ایران رواج داد و پس از او در این رشته، آن‌چنانکه می‌بایست تا دوران پهلوی دوم کارآموزی نوینی صورت نگرفت.

حبیب‌الله ابهری در این مورد نوشته است: «کمال‌الملک را برای فراگیری هنر نقاشی به تهران نزد مزمین‌الدوله فرستادند که تحصیلات نقاشی خود را تکمیل کند. آقای مزمین‌الدوله در آن زمان اولین نقاش ایرانی بود و شاهکارهای نفیسی از خود به یادگار گذارده‌اند ... مزمین‌الدوله اغلب تعریف ذوق و استعداد شاگرد خود، یعنی کمال‌الملک را نزد شاه می‌کرد و شاه او را اغلب تشویق می‌نموده است» (ابهری، ۱۳۴۴، ص ۱۰).

دکتر اعلم‌الدوله ثقفی نیز در ذکر نام مردان بزرگ قرن ۱۳ خورشیدی از کمال‌الملک و مزمین‌الدوله یاد کرده و می‌نویسد: «کمال‌الملک مدرسه نقاشی جدید را که مزمین‌الدوله در جاده تکوین آن پیشقدم و دکتر ابراهیم‌خان حکیم‌الملک مؤسس آن است ترقی داد» (روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور، ۱۳۷۴، ص ۶۳۳۶).

تا پیش از مزمین‌الدوله فضای تمثیلی در آثار نقاشان ایرانی کاملاً محسوس بود و تصویرگران بیشتر به آرایش فضای تجسمی قدیم پای‌بند بوده و به طبیعت‌گرایی و بازنمایی طبیعت به گونه‌ای که در پیرامون خود به‌طور روزمره می‌دیدند، التفاتی نداشتند. آیدین آغداشلو در این مورد می‌نویسد:

نمی‌توان تنها کمال‌الملک را به آغاز تقلیدگری کامل نقاشی اروپایی متهم کرد، چرا که پیش از او، صنیع‌الملک و مزمین‌الدوله بودند ... نقاشی واقع‌گرای ایران کمی پیش از زمان کمال‌الملک شروع شد ... واقع‌گرایی آرام‌آرام تبدیل به بخشی از هدف می‌شود. از اواسط دوران ناصرالدین‌شاه، از زمان استاد کمال‌الملک، [یعنی] مزمین‌الدوله و نقاشان معاصر اوست که تبدیل به هدف اصلی می‌شود. یعنی تقلید عکاسخانه جهان عینی (آغداشلو، ۱۳۹۴، ص ۳۷، ۶۳ و ۴۶۳).

به‌نوشته محمدعلی دولتشاهی نقاش و هنرمند معاصر: «مزمین‌الدوله بود که برای اولین بار



تحولی در نقاشی و نگارگری ایران به وجود آورد و با ارائه سبک‌های گوناگون و متداول هنر اروپایی، بنیانگذار مکتبی شد. چون خود پیرو مکتب رئالیسم بود، برای اولین بار آناتومی و پرسپکتیو را در ایران آموزش داد و همچنین تئاتر را پایه‌گذاری نمود»^{۲۰}.

دکتر عبدالمجید حسینی‌راد نیز در مقاله خود ضمن پرداختن به ریشه تأثیرات هنر غرب بر نقاشی معاصر ایران می‌نویسد: «در واقع شکستن اصول و سنت هنر ایرانی و فضای تمثیلی نقاشی با آثار «مزین‌الدوله» استاد مدرسه دارالفنون آغاز می‌شود که در مدرسه هنرهای زیبا یا بوزار (Beaux - arts) پاریس نقاشی آموخته بود و کمال‌الملک نیز در نوجوانی شاگرد او در دارالفنون بود» (حسینی‌راد، ۱۳۷۸). و بالاخره دکتر آیت‌اللهی در مورد جایگاه هنری و ارزش‌های تصویری نقاشی‌های مزین‌الدوله در دوره قاجار چنین نوشته است:

آثاری با ویژگی‌های تازه و ابتکاری نیز در دوران قاجار به وجود آمدند که هرچند تعداد آن‌ها کم است ولی ارزش‌های تصویری والایی دارند ... از میان آثار نقاشی‌شده این زمان واقعی‌گراتر و پیشرفته‌تر از همه، که می‌تواند با کارهای غربی هم‌ترازی کند، آثار علی‌اکبر مزین‌الدوله است که به احتمال زیاد مطالعه زیادی در نقاشی‌های غربی داشته است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷).

شاگردان معروف مزین‌الدوله در نقاشی

از میان معروف‌ترین شاگردان مزین‌الدوله باید از ابوتراب نقاش مخصوص (برادر بزرگ کمال‌الملک)، مصورالملک، مصورالممالک، اسماعیل جلایر و محمد غفاری (کمال‌الملک) نام برد که شخص اخیر در زمان تحصیل در دارالفنون رسماً متجاوز از پنج‌سال جزو شاگردان مزین‌الدوله در این مدرسه بوده است.

مهدی بامداد ضمن آنکه از علی‌اکبرخان مزین‌الدوله به‌عنوان استاد نقاشی دارالفنون نام برده، معتقد است مزین‌الدوله اول بار کمال‌الملک را به ناصرالدین‌شاه معرفی کرد (بامداد، ۱۳۷۴، ص ۲۶۴). دکتر محمدحسین ادیب هم با عبارت مشابهی تصریح کرده که اول بار مزین‌الدوله بود که کمال‌الملک را به دربار ناصرالدین‌شاه وارد کرد^{۲۱}. بامداد در جای دیگر از کتاب خود ضمن معرفی وی نوشته است: «در ۱۲۷۵ قمری برای تکمیل تحصیلات به فرانسه فرستاده شد و پس از بازگشت، سال‌های متمادی استاد نقاشی و معلم زبان فرانسه در دارالفنون بود و ضمناً در آغاز کار، استاد میرزا محمدخان غفاری کمال‌الملک نیز بوده است و می‌توان او و کمال‌الملک را در یک حدودی به لوپروژن (Le Perugin) و رافائیل (Raphael) نقاشان ایتالیایی تشبیه نمود ...» (بامداد، ۱۳۷۴، ص ۴۲۶) البته قبول چنین مقایسه‌ای جای درنگ است زیرا مزین‌الدوله پیرو انگر و رافائیل بود درحالی که کمال‌الملک از مکتب نقاشی رامبراند تقلید



می‌کرده و بر اساس یادداشت‌های به‌جامانده از او به وی ارادت می‌ورزیده است. افزون بر این، کمال‌الملک در شرح احوال و زندگینامه خود از کسانی که حق تعلیم بر او داشته‌اند، چنین یاد کرده است: «اشخاصی که به من حق تعلیم دارند اولاً خود فامیل من، در دارالفنون میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله که به فرنگستان رفته بود و معلم من حساب می‌شود ... باری جز این شخص، آن‌هم صورتاً احدی به من حق تعلیم ندارد ... خودم به زحمت هرچه می‌دانم آموختم» (یادنامه کمال‌الملک، ۱۳۷۸، ص ۲۵)^{۲۲}.

مزین‌الدوله و هنر تئاتر

علاوه بر نقاشی، مزین‌الدوله نخستین فردی بود که هنر تئاتر را در ایران پایه‌ریزی کرد به این ترتیب که به دستور مستقیم ناصرالدین‌شاه اولین سالن مدرن برای نمایش تئاتر را در ۱۳۰۲ ق. در ضلع شمالی مدرسه دارالفنون ساخت و اولین پی.اس.های آن را نیز خود از زبان فرانسه به فارسی برگرداند و روی صحنه آورد.

چنین اقدامی از نظر نویسندگان دایرةالمعارف مصاحب پنهان نمانده به نحوی که در این اثر، ذیل مدخل مزین‌الدوله چنین آمده: «مزین‌الدوله معروف به نقاشباشی مؤسس واقعی تئاتر جدید در ایران، به‌دستور ناصرالدین‌شاه تالاری برای نمایش در محل فعلی دارالفنون به سبک تماشاخانه‌های اروپا بنا کرد و نمایشنامه میزانتروپ^{۲۳} از آثار مولیر را در آنجا به معرض نمایش گذاشت» (مصاحب، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵۷).

حبیب‌الله نصیرفر نیز در این مورد نوشته است:

اولین بنای تئاتر عمومی و رسمی در زمان حکومت ناصری و به‌همت مزین‌الدوله نقاشباشی که خدمات ذی‌قیمتی هم در قسمت موسیقی کرد برای حدود ۳۰۰ هنرجو در دارالفنون بنا گردید ... نقاشباشی همان است که باید در تاریخ نام او را به‌عنوان بانی تئاتر ایران ثبت کرد زیرا وی به‌موجب حکمی که در تاریخ ۱۳۰۷ هجری قمری از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد نخستین کارگردان و عامل امور تئاتری ایران گردید. در این حکم نوشته شده بود: «تیرالملک، در باب انتظام و ترتیب و آراستگی تئاتر مدرسه دیشب شرحی به شما شفاهاً فرمودیم و باید در تحت یک ترتیب و نظم مخصوص باشد و اختیار انتظام کلیه [امور] برعهده شخص شماست و شما هم باید میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی را مدیرکل تئاتر از جانب دولت قرار بدهید که در کمال خوبی همان‌طور که تا حال آنجا را از هرجهت منظم داشته، مرتب نماید و تمام کار تئاتر به اختیار صلاحدید او باشد. در باب نقاشی و تعمیرات تئاتر هم همان‌طور که دستورالعمل دادیم باید معمول گردد. شهر رجب‌المرجب ۱۳۰۷ امضاء (نصیرفر، ۱۳۷۴، ص ۲۷۲ و ۲۷۷).



گفتنی است مزین‌الدوله که در مدت زمان اقامت خود در اروپا با پشتکار فراوان کوشیده بود ضمن تحصیل هر آنچه لازمهٔ زمان خود بود، در حد امکان سرچشمه‌های فکری و علمی تمدن جدید را فرا گیرد تا پس از مراجعت به وطن، دولتمردان و مردم جامعهٔ خود را از دانسته‌ها و دستاوردهای سفر خود بهره‌مند سازد، به‌درستی دریافته بود که با بهره‌گیری صحیح از هنر تئاتر و به‌ویژه علاقهٔ زیادی که شخص ناصرالدین‌شاه به تماشای تئاتر و رواج تماشخانه داشت، می‌توان اغلب مسائل، مشکلات و گرفتاری‌های مردم و نیز کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های حکومت را در نمایش‌های مختلف تئاتر گنجانده و ضمن اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم، شاه و درباریان و صاحب‌منصبان حکومتی را متوجه نارسایی‌ها کرد و از آن‌ها انتقاد کرد. او به‌خوبی دریافته بود که با بهره‌گیری درست از هنر نمایش و نوشتن نمایشنامه‌های انتقادی مناسب می‌توان مسئولان حکومتی را واداشت تا از ورود بی‌رویهٔ کالاها و امتعهٔ فرنگی جلوگیری کرده و ضمناً مردم را به تهیه و خرید محصولات داخلی تشویق کرد.

محمدحسین ادیب در قسمتی از خاطرات خود با اشاره به این مطلب نوشته است: در یکی از شب‌ها که ناصرالدین‌شاه برای دیدن تئاتر به تماشخانه آمده بود مشاهده کرد که مزین‌الدوله در قالب نمایش خود تلویحاً از بی‌توجهی نسبت به تولید پارچه‌های داخلی و نیز نظارت‌نکردن بر واردات بی‌رویهٔ پارچه‌های گران‌قیمت خارجی، دولت و درباریان را از زبان بازیگران نمایش به باد انتقاد گرفته است. نمایش این برنامه، برخلاف انتظار موردتوجه شاه قرار گرفت و همانجا توسط جعفرقلی‌خان هدایت (نیرالملک اول) که عهده‌دار وزارت فرهنگ بود، مزین‌الدوله را خواست و به او گفت: «بگو نقاشباشی، بگو تا دیگران هم بفهمند»^{۳۴}. به‌هرحال ضمن آنکه دارالفنون نخستین مرکز نوپای تئاتر ایران بود باید اذعان کرد مزین‌الدوله بیشترین سهم را در تأسیس آن داشت؛ اگر چه فعالیت این مرکز نوپا چندی بعد در اثر انتقادات و کارشکنی‌ها تعطیل شد.

مزین‌الدوله و هنر موسیقی

مزین‌الدوله علاوه‌براینکه معلم نقاشی دارالفنون و معلم نقاشی و زبان فرانسهٔ ناصرالدین شاه بود با موسیقی غربی نیز آشنایی داشت و از این نظر در آموزش نوین موسیقی نیز پیشگام بود. گفتنی است موسیقی غربی ابتدا در قالب موسیقی نظامی و از طرف دستگاه‌های وابسته به دولت و ارتش به ایران راه یافت و به‌تدریج از موسیقی نظامی فاصله گرفت و جریان مستقل خود را ادامه داد. فکر تأسیس موزیک نظام سال‌ها پیش از ناصرالدین‌شاه به فکر عباس‌میرزا ولیعهد رسیده بود اما در آن زمان کاری از پیش نرفت^{۳۵} تا این که در ۱۳۱۳ق. ناصرالدین‌شاه به وزیرمختار وقت ایران در پاریس دستور داد که از دولت فرانسه بخواهد یک استاد موزیک



نظام به ایران روانه کند.

چندی بعد دولت فرانسه موسیقی‌دانی به‌نام موسیو لومر^{۲۶} را روانه ایران کرد و او در ۱۲۸۶ق. با عنوان «رئیس موزیک شاهنشاه ایران» به استخدام دولت ایران درآمد. تا قبل از این‌زمان، استفاده از نُت (خط بین‌المللی موسیقی) در آموزش موسیقی ایرانی متداول نبود و برای نخستین‌بار لومر، معلم موسیقی دارالفنون و موزیکانچی‌باشی دربار ناصرالدین‌شاه با همکاری مزین‌الدوله، تدریس به این شیوه را شروع کردند. روح‌الله خالقی در این مورد چنین نوشته است:

چون معلم اروپایی [لومر] زبان فارسی نمی‌دانست میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی (مزین‌الدوله) که معلم فرانسه و نقاشی دارالفنون هم بود، به‌سمت مترجمی لومر منصوب گردید و درس موسیقی نظری او را که برای شاگردان می‌گفت به‌طور سؤال و جواب به فارسی ترجمه کرد و اولین کتاب تئوری موسیقی را به سبک جدید با جمله‌های فرانسه و ترجمه فارسی آن‌ها نوشت و در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسانیده در دسترس شاگردان مدرسه قرار داد (۱۲۶۱ مطابق ۱۳۰۱ق.) (خالقی، ۱۳۵۳، ص ۲۱۲ و ۲۱۳).

به‌این ترتیب نخستین کتاب تئوری موسیقی همراه با آموزش نُت نوشته شد که سبک جدیدی در ایران محسوب می‌شد. ضمناً سه کتاب در مورد موسیقی نظامی با همکاری سالار معزز از فرانسه به فارسی ترجمه کرد که هنوز به چاپ نرسیده‌اند (ملاح، ۱۳۴۵، ص ۱۱۴ و ۱۱۵). معروف‌ترین شاگرد مزین‌الدوله در موسیقی، همین غلامرضا سالارمعزز مین‌باشیان بود که بعدها در سال ۱۳۳۹ق. هنگامی که سازمانی به‌نام اداره‌کل موزیک در ارتش ایجاد شد او به ریاست موسیقی ارتش در آمد و «مدرسه عالی موسیقی» را بنیان نهاد (سرمد، ۱۳۷۲، ص ۱۱۹۸)^{۲۷}.

مزین‌الدوله و آموزش زبان فرانسه

و بالاخره در آموزش و تدریس زبان فرانسه نیز مزین‌الدوله پیشرو بود. وی اولین ایرانی بود که به‌طور جامع به تدریس این زبان همت گماشت و نخستین کتاب‌های آموزش زبان فرانسه را تألیف کرد و با چاپ سنگی انتشار داد. از او سه کتاب در آموزش این زبان (مکالمه، لغت، دستور زبان) به یادگار مانده است. عیسی صدیق‌اعلم در این مورد نوشته است: «مزین‌الدوله قریب پنجاه سال معلم [زبان] فرانسه و نقاشی و موسیقی دارالفنون بود و نخستین تماشاخانه جدید را جنب دارالفنون ساخت و موسیقی را با نت تدریس کرد و کتابی هم در فرهنگ فرانسه به فارسی تألیف و منتشر نمود و چند پرده نقاشی او در کاخ گلستان موجود است» (صدیق،



۱۳۴۳، ص ۱۱۹۸). وی همچنین در مورد تألیفات مزین الدوله می‌نویسد: «کتب مذکور در اشاعه فرهنگ جدید اروپا در ایران تأثیر فراوان داشت» (تاریخ فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۲). علاوه بر این به توصیه ناصرالدین شاه نخستین دیکسیونر (فرهنگ) جامع فرانسه به فارسی مشتمل بر ۵۰ هزار لغت را تحریر کرد و برای تهیه و تکمیل آن زحمات زیادی متحمل شد. تدوین این فرهنگ لغت که به نام دیامان^{۲۸} و سپس مزین اللغه ثبت شده در دوران سلطنت احمدشاه به پایان رسید (چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۵۲؛ ادیب، ۱۳۵۴، ص ۶۰).

دکتر محمدحسین ادیب در خاطرات خود از دارالفنون می‌نویسد:

یک دیکسیونر به اسم دیامان به فرانسه بود که مزین الدوله این را تمام از فرانسه به فارسی ترجمه کرده بودند و بعد از آنکه تمام شد هفته‌ای دو شب در منزل ایشان یک جلسه‌ای بود: پدرم، مرحوم محمدحسن خان ادیب الدوله، خدا رحمت کند میرزا غلامحسین خان رهنما، میرزا عبدالعظیم خان قریب، دکتر حسین گل‌گلاب ... سرشب چند ساعتی به این لغات مراجعه می‌کردیم. ایشان (مزین الدوله) ترجمه کرده بودند مثلاً نوعی گل، نوعی ماهی، هر کدام از این‌ها را اصطلاحات ریاضی‌اش یا نظامی‌اش یا ادبی‌اش یا طبیعی‌اش که ما می‌دانستیم به جای آن لغات می‌گذاشتیم که تصحیح بشود ... (ادیب، ۱۳۵۴، ص ۶۰).

با در نظر گرفتن این اقدامات بود که بسیاری از صاحب‌نظران از مزین الدوله به عنوان نخستین دبیر زبان فرانسه در ایران یاد کرده‌اند (چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۵۲؛ آذری، ۱۳۴۲). به عبارت دیگر می‌توان گفت پیشرفت واقعی زبان و فرهنگ فرانسوی در ایران به میزان زیادی حاصل تلاش‌های مزین الدوله بود که متجاوز از ۵۰ سال به تدریس آن زبان (از شاه گرفته تا افراد و محصلان عادی) اشتغال داشت تا اینکه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و تقریباً از شروع نیمه دوم سلطنت محمدرضا پهلوی، رفته‌رفته زبان و فرهنگ انگلیسی جایگزین زبان و فرهنگ فرانسه شد.

جایگاه مزین الدوله در دربار قاجاریه

وی به موازات تدریس، تحقیق و تألیف در تمام مدت عمر طولانی خود در ملازمت پادشاهان و شاهزادگان درجه اول قاجاری بود و نزد ایشان احترام و مقام خاصی داشت. علاوه بر سمت معلمی ناصرالدین شاه، نقاشباشی دربار او بود و زمانی که مظفرالدین شاه به سلطنت رسید، تعلیم و سرپرستی پسر او، ملک منصورمیرزا (شعاع السلطنه) را به عهده داشت و در شوال ۱۳۱۵ ق. لقب مزین الدوله به وی اعطا شد.



غلامحسین افضل‌الملک، محقق و مورخ معروف دوران قاجار در ثبت رویدادهای مهم سال ۱۳۱۵ ق. از مزین‌الدوله چنین یاد کرده است:

میرزا علی‌اکبرخان نقاشباشی، سرتیپ اول معلم سابق در مدرسه دارالفنون دولتی که از دانشمندان این عصر و در فنون و کمالات خارجه به‌خصوص زبان فرانسه و صنعت نقاشی اول استاد است، این اوقات حسب‌المقرر به خدمت نواب مستطاب اشرف والا، شاهنشاهزاده معظم شعاع‌السلطنه مشغول هستند و در آن اداره از اکابر قوم و صناید رجال می‌باشند مستوجب بذل امتیازی آمده، به لقب مزین‌الدوله ملقب و مباحی گشتند. ایشان از جمله شاگردانی هستند که از ابتدای دولت ناصری حسب‌الامر با جناب حسنعلی‌خان گروسی امیرنظام به اروپا رفته، تحصیل کمالات کردند و مخارج این‌گونه شاگردان را که ۴۰ نفر بودند، دولت ایران متحمل بود تا هریک در فنی از فنون و علوم استاد و معلم شده؛ از وزرای علوم و رؤسای مدرسه‌های خارجه، دیپلم و اجازه‌نامه و تصدیق گرفتند. هریک بعد از تحصیل مآرب و تکمیل آداب به ایران آمده، صاحب رتبه‌های عالی و مواجب شدند. آقا میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله در صنعت نقاشی و دانستن زبان فرانسه، سمت معلمی یافتند. برحسب امر دولت، تدریس شاگردان مدرسه دولتی ایران به ایشان واگذار شد و الحق شاگردان ماهر از تعلیم این دانشمند از مدرسه دارالفنون دولتی بیرون آمدند. در این اوقات به ملازمت و منادمت حضرت مستطاب والا، شاهنشاهزاده معظم شعاع‌السلطنه مشغول بوده الحق شخصی محترم و وجودی مغتنم است (افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۱۹۸).

به‌دلیل مراقبت و تعلیمات مزین‌الدوله، ملک منصورمیرزا به شاهزاده‌ای با سواد و با مبادی تمدن جدید آشنا شد و به‌تدریج در میان درباریان و رجال صاحب‌نام وقت، موقعیت او چنان تقویت شد که در برخی محافل اغلب از ولیعهدی او صحبت به میان می‌آمد. بعید نمی‌نماید که مزین‌الدوله نیز شعاع‌السلطنه را لایق‌تر و مناسب‌تر از محمدعلی‌میرزا می‌دانست، گرچه او بنابر تجارب گذشته، از هرگونه فعالیت سیاسی به نفع شعاع‌السلطنه خودداری کرد چون آگاه بود محمدعلی‌میرزا ولیعهدی قانونی است. با این‌وصف زمزمه ولایتعهدی ملک منصورمیرزا چنان بالا گرفت که طرفداران ولیعهد و درباریان نزدیک او ضمن دفاع از محمدعلی‌میرزا، حتی دولت فرانسه را به این دلیل که ترجیح می‌دهد شعاع‌السلطنه در ایران به سلطنت برسد، موردانتقاد قرار دادند. بدینی این گروه نسبت به مقام‌های دولت فرانسه جز این دلیل نبود که شعاع‌السلطنه تحت‌نظر مزین‌الدوله با زبان و فرهنگ فرانسه آشنا شده بود و حتی دولت فرانسه این شاهزاده جوان را به دریافت نشان آکادمیک مفتخر کرده بود. افزون‌بر این در سفر شعاع‌السلطنه به اروپا در ۱۸۹۹ م. که مزین‌الدوله، میرزا عبدالرحیم قائم‌مقام تبریزی (وزیر

وظایف و اوقاف) و خلیل‌خان ثقفی اعلم‌الدوله (پزشک شعاع‌السلطنه) او را همراهی کرده بودند^{۲۹}، دولت فرانسه برای این گروه احترام خاصی قائل شد و همین موضوع، سوءظن ولیعهد و دربار را موجب گشت. البته دولت فرانسه، شایعات مبنی بر ولیعهدی شعاع‌السلطنه را به کلی رد کرد و این مسئله چندی بعد برطرف شد.

اقدامات مزین‌الدوله در شیراز

در ۱۳۱۹ق. هنگامی که ملک منصورمیرزا شعاع‌السلطنه (پسر مظفرالدین‌شاه) برای نخستین‌بار در سنین جوانی حاکم فارس شد، مزین‌الدوله ضمن دریافت عنوان «جناب» از مظفرالدین‌شاه به نیابت شعاع‌السلطنه به شیراز رفت ولی هنوز یک‌سال نگذشته بود که مزین‌الدوله از سمت خود کناره‌گیری کرد و به تهران مراجعت نمود و مجدداً به تدریس در دارالفنون پرداخت. دلیل اصلی کناره‌گیری او، اعمال نابه‌جای اطرافیان شعاع‌السلطنه بود که متأسفانه با نفوذ مخربی که روی شعاع‌السلطنه پیدا کرده بودند، باعث نارضایتی مردم در آن منطقه شدند و سرانجام شعاع‌السلطنه مجبور به ترک شیراز شد. مزین‌الدوله پس از مراجعت به تهران، علاوه بر تدریس، سرپرستی حشمت‌الدوله (فرزند شعاع‌السلطنه) و دیگر شاهزادگان مقرب دربار را پذیرفت.

عبدالله مستوفی در توصیف ضیافتی که امپراتور روسیه در سال ۱۹۰۵م. برای مظفرالدین‌شاه ترتیب داده بود، تحت تأثیر ادب و نزاکت شاهزادگان جوانی که در این ضیافت شرکت داشتند نوشته است: «این‌ها همه از اثر زحماتی است که میرزا علی‌اکبر نقاشباشی مزین‌الدوله در تربیت این شاهزاده‌ها کشیده و آن‌ها را طوری حاضر کرده است که به زبان فرانسه از عهده واگذار کردن یک همچو مجلس با عظمتی به این خوبی برمی‌آیند...» (مستوفی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۲).

مزین‌الدوله در دوران اقامت خود در شیراز، اقدامات مفیدی انجام داد. از جمله اقدامات او ساختن مقبره‌ای آهنین به سبک معماری آرنو^{۳۰} برای حافظ بود که تا ۱۳۱۳خ. این مقبره بر جا بود^{۳۱}. فرصت شیرازی (فرصت‌الدوله) ادیب و شاعر سرشناس دوره قاجار در مورد احداث این مقبره، ابیات زیر را سرود که در اطراف مقبره حکاکی شد (کریمی، ۱۳۷۷):

به عهد خسرو عادل مظفرالدین‌شاه	به امر زاده آزادش ملک منصور
خرد پژوه مهندس مزین‌الدوله	بریخت طرح و بداد این اساس را دستور
بُد از هزار و سه صد نوزده فزون کآورد	شعاع‌السلطنه این طرفه بقعه را به ظهور ^{۳۲}

علاوه بر اقدام فوق به‌دستور مزین‌الدوله اطراف ساختمان کریم‌خان زند را نیز با سنگ



مرمر و اشعار حافظ تزئین کردند تا وضع آبرومندی داشته باشد.

فرصت‌الدوله شیرازی راجع به مزین‌الدوله به جهت خدماتی که برای شیراز متحمل شد اشعار دیگری هم سروده که در دیوان وی ثبت شده و ابیات زیر نمونه‌ای از آنهاست (فرصت‌شیرازی، ۱۳۳۷، ص ۲۸۰):

پور شاهنشاه کیوان‌فر، ملک منصورِ راد	آن به ثروت اردشیر و آن به سطوت شاهپور
بارگاہت چون سپهر است و تو مهر آن سپهر	ماه آن باشد مزین صاحب اقبال و هور
آسمان فضل و دانش اخترِ برجِ کمال	آفتاب چرخ بینش گوهرِ بحرِ شعور
دولت شه را اگر آمد مزین نی عجب	کز شعاع رای او دولت نماید کسب نور
وصفی از خلقتش شود مسطور اگر در نامه‌ای	مُشک خیزد تا ابد چون نافه از نقشِ سطور

دوری از فعالیت سیاسی

از نظر مثنوی فکری و سیاسی، مزین‌الدوله طرفدار مشروطه سلطنتی بود و در عین حال با همه نزدیک‌اش به دربار و دستگاه سلطنت قاجار از وارد شدن در امور سیاسی دوری می‌جست و به مشاغل دولتی تن در نمی‌داد. معروف است زمانی که از تهران به عضویت اولین دوره مجلس شورای ملی انتخاب شد، چندی قبل از افتتاح مجلس از شرکت در آن خودداری کرد.

به غیر از تدریس در دارالفنون چندسالی ریاست مدرسه علمیه را به عهده گرفت و در دوره پرتلاطم مشروطیت با قاطعیت از بسته شدن این مدرسه جلوگیری کرد (سالنامه دبیرستان علمیه، ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵، ص ۹۰). ضمناً او در هیئت معارف ایران عضو بود؛ هیئتی که به تعلیم در مدارس و امور فرهنگی کشور نظارت داشت (سالنامه وزارت معارف، ۱۲۹۷ ش، ص ۶۹۶). در ۱۳۲۳ ق. / ۱۹۰۵ م. که سفر سوم مظفرالدین‌شاه به اروپا پیش آمد، مزین‌الدوله در پاریس به شاه پیوست و سرپرستی شاهزادگان نیز به عهده او بود (نصیری مقدم، ۱۳۹۰). در برخی روزنامه‌های فرانسه از جمله فیگارو و لوتان که راجع به این سفر یا سفر شعاع‌السلطنه به اروپا مطالبی چاپ کرده بودند، از مزین‌الدوله به عنوان یکی از دانشمندان بزرگ ایران و از اشخاص نزدیک به دستگاه سلطنت یاد شده است.^{۳۳}

در دوره موسوم به استبداد صغیر، مزین‌الدوله از تماس مستقیم با محمدعلی‌شاه دوری می‌کرد و کماکان به تدریس و سرپرستی شاهزادگان درجه اول ادامه داد. در همین دوره ریاست مدرسه علمیه که بعد از دارالفنون مهم‌ترین مدرسه ایران بود را نیز به عهده گرفته بود.



تأثیر مزین الدوله بر احمدشاه قاجار

پس از خلع محمدعلی شاه و به سلطنت رسیدن احمدشاه، رجال طراز اول کشور مصمم شدند شاه جوان با تربیتی نوین، اصول کشورداری را با رویه و قواعد دموکراسی فرا گیرد. از این رو بنا به پیشنهاد مستوفی الممالک (وزیر دربار) کلاس ویژه‌ای را در ۱۳۲۷ ق. در یکی از ساختمان‌های کاخ گلستان در نظر گرفتند و مزین الدوله با درجه «امیر تومانی» به ریاست آن کلاس انتخاب شد. در این سمت از او به عنوان رجلی خوشنام یاد شده و عمل تأسیس این مدرسه را نخستین اقدام اساسی در بدو سلطنت احمدشاه دانسته‌اند (سپهر، ۱۳۶۲، ص ۳۲). معلمان این کلاس که اغلب به پیشنهاد مزین الدوله به تدریس پرداختند، همگی از اشخاص سرشناس و در رشته خود استاد بودند. از جمله معلمان معروف که تحت ریاست مزین الدوله در این کلاس به شاه تعلیم می‌دادند می‌توان محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، کمال‌الملک، عمادالکتاب، دکتر کریم‌خان هدایت، امیرسهم‌الدین غفاری (ذکاءالدوله)، میرزا ابوالحسن‌خان گرانمایه و عباس‌میرزا سالارشکر فرمانفرما را نام برد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۷ و ۳۸). در این کلاس ۱۶ محصل درس می‌خواندند که احمدشاه، محمدحسن‌میرزا (ولیعهد)، اعتضادالسلطنه (برادر ناتنی احمدشاه) و نصرت‌السلطنه (عموی احمدشاه) جزو این عده بودند. دوازده شاگرد دیگر کلاس از بین فرزندان خانواده‌های سرشناس انتخاب شده بودند.^{۳۵} این کلاس قریب پنج‌سال ادامه داشت تا آنکه احمدشاه رسماً به سلطنت رسید.

مزین الدوله کتابی شامل گفتار بزرگان به زبان فرانسه تألیف کرده بود و به منظور نصیحت احمدشاه، هر بار قسمت‌هایی از متن این کتاب را برای او قرائت می‌کرد (هرچند احمدشاه به مطالعه رمان علاقه بیشتری نشان می‌داده است)^{۳۶}. در مقابل، شاه نیز او را در حضور محترمین، پدر دانشمند خود می‌نامید و احترام خاصی برای او قائل بود (آذری، ۱۳۴۲).

در ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق. مزین الدوله به ژنرال آجودانی دائمی شاه مفتخر شد (آذری، ۱۳۴۲) و در این سمت اغلب امرایی که درجه امیر تومانی یا حتی سرداری داشتند و آجودان احمدشاه بودند، از جمله امیرموفق که افسر ارشد قزاقخانه و دانش‌آموخته روسیه بود و چندی هم به وزارت جنگ منصوب گردید، تحت ریاست او بودند.

از اقدامات مفید مزین الدوله در این دوران که با قحطی تهران مصادف بود، راضی کردن احمدشاه به فروش غله اختصاصی خود بود تا ضمن ممانعت از تلف شدن بیشتر مردم گرسنه، از بدنامی شاه نیز جلوگیری به عمل آید. گفتنی است عده‌ای از درباریان و اطرافیان شاه به او توصیه کرده بودند در فروش غله عجله نکند تا قیمت نان فزونی یافته و از این طریق سود بیشتری عاید او شود. از این رو در نگاه برخی از مردم، احمدشاه مدتی به احمدعلاف معروف شده بود. مزین الدوله پس از اطلاع از موضوع، در حالی که نسبت به شاه متغیر شده و تحمل‌اش



به‌سر آمده بود، در سحرگاه یکی از روزها به اندرون شاه رفت و سرانجام موافقت او را برای فروش غله سلطنتی گرفت.^{۳۷}

اخلاق و رفتار مزین‌الدوله

او در صراحت، رک‌گویی و جدی‌بودن در حرفه خود شهرت داشت. از اظهارنظر و مخالفت با آنچه به نظرش به زیان مملکت و شاه بود پرهیز نمی‌کرد. چنانچه قبلاً اشاره رفت در دوران ناصرالدین‌شاه، اغلب گرفتاری‌های مردم و مشکلات وقت را در نمایش‌های مختلف تئاتر می‌گنجاند تا شاه را متوجه آن‌ها کند. علاوه‌براین هرگاه عیب یا ایرادی در رفتار شاهزادگان مشاهده می‌کرد از نصیحت خودداری نمی‌نمود. در اینجا رونوشت یادداشتی را که در دوران احمدشاه به یکی از شاهزادگان نوشته و به او ایراد گرفته که چرا در قول خود نسبت به شخصی که موردِستم قرار گرفته، کوتاهی کرده است عیناً درج می‌کنیم. «والاحضرتا، از شما پوزش می‌طلبم که به عادت و رسم همیشگی خودم مکاتبه می‌کنم. شاهزاده هستید، تحصیلاتی دارید و شصت سال از عمرتان می‌گذرد؛ چنین شخصیتی هرگز نباید در گفته خود کوتاهی کند مخصوصاً که موضوع آن‌قدر سهل و ساده باشد. ارادتمند شما مزین»^{۳۸}.

در تدریس نیز سخت‌گیر بود و دقت بسیار داشت. ابوالحسن عمیدی‌نوری یکی از شاگردان او که بعدها از روزنامه‌نگاران مشهور شد در خاطرات خود می‌نویسد: «مرحوم مزین‌الدوله ... که در [سن] متجاوز از نود سالگی با آن ریش سفید و چشم‌های کم‌نور و سر و دست لرزان سرکلاس می‌آمد، نفس از کسی در نمی‌آمد مخصوصاً اینکه وقتی به بچه خیلی شیطانی برمی‌خورد او را می‌خواست و جلوی همه شاگردها عصایش را بلند نموده به او می‌گفت: ... با این عصا، احمدشاه شما را تنبیه کردم، تو دیگر چه می‌گویی» (عمیدی‌نوری، ۱۳۸۱، ص ۴۳). با این وصف، نسبت به مردم عادی و عموم محصلان رئوف بود و از مستمندان حمایت می‌کرد و در قحطی تهران از خانه خود برای فقرا نان می‌فرستاد. منزل او در خیابان شاه‌آباد سابق (جمهوری اسلامی کنونی) بود و در نقشه قدیم تهران که خانه‌های رجال مشخص شده، دیده می‌شود. مقداری از اراضی خیابان مذکور و ضلع شمال‌شرقی میدان مخبرالدوله که بعدها به مغازه تبدیل شدند به او متعلق بود که پس از فوت او از سوی سپهبد احمد امیراحمدی از ورثه خریداری شد. هنوز کوچه نقاشباشی (جنب ایستگاه مترو سعدی) به نام وی در آنجا وجود دارد که نشانی از منزل قدیم او می‌دهد.

او پس از تکمیل تحصیل و مراجعت از اروپا و فوت والدین، به زادگاه خود مراجعت نکرد و دهات موروثی را که در حوالی کاشان و نطنز بودند، وقف کرد و تا پایان عمر از املاک خویش اطلاع دقیقی نداشت و اصولاً نسبت به امور مالی بی‌توجه بود (مزین، ۱۳۶۳). در تهران



خیابان مزین‌الدوله به‌نام وی به یادگار مانده بود که بعداً به شهید کارگر تغییر نام یافت. مدرسهٔ مزین‌الدوله نیز که تا قبل از انقلاب یکی از چهار مدرسهٔ بزرگ پایتخت بود تخریب شد و اکنون به‌نام ولی‌عصر (عج) دائر است (معتضد، ۱۳۷۵، ص ۸۶۷).

همکاری نکردن با دربار پهلوی

پس از برکناری احمدشاه در ۱۳۰۴ خ. علی‌رغم تمایل رضاشاه به همکاری مزین‌الدوله با دربار و دو بار اعزام تیمورتاش (وزیر دربار) به منزل او به‌منظور قبول سرپرستی ولیعهد، از آن‌جهت که متجاوز از ۶۰ سال در دستگاه قاجاریه خدمت کرده بود، حاضر نشد در دوران پهلوی مسئولیتی را بپذیرد. لذا برای سرپرستی ولیعهد، علی‌اصغر خان نفیسی (مؤدب‌الدوله) را تعیین کردند که در دوران اقامت محمدرضا پهلوی در سوئیس همراه او بود (دست‌نوشته‌های منتشر نشدهٔ سرلشکر منصور مزین). با این وصف اسناد به‌جامانده از سال‌های نخست سلطنت پهلوی حاکی است مقامات رسمی و هیئت‌دولت در دورهٔ جدید نیز به پاس خدمات مستمر فرهنگی و شیخوخت مزین‌الدوله برای او احترام ویژه‌ای قائل بوده و بخشی از حقوق مادی او را تا پایان عمرش پرداخت می‌کردند.^{۳۹}

نشان‌هایی که مزین‌الدوله دریافت کرد

مزین‌الدوله به‌دلیل خدمات و مأموریت‌هایی که از سوی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه به دربارهای ناپلئون سوم (پادشاه فرانسه)، فرانسوا ژوزف (پادشاه اتریش)، ویلهلم (امپراتور آلمان) و تزار روسیه مکلف شد، به اخذ نشان‌های مختلفی نائل شد که ارزنده‌ترین آن‌ها عبارتند از: نشان‌های ایرانی:

- نشان درجه یک شیر و خورشید و بته‌جقه درباری
- نشان درجه یک خارجه و حمایل سبز
- نشان درجه یک علمی

نشان‌های خارجی:

- نشان درجه یک عقاب از آلمان
- نشان درجه یک تاج لیاقت از آلمان
- نشان درجه یک فرانسوا ژوزف از اتریش
- نشان نظامی ستارهٔ فرانسوا ژوزف
- نشان درجه یک نظامی لئوپولد از بلژیک



- نشان درجه یک سنت استانیسلاس از روسیه^{۴۰}
- نشان ممتاز لژیون دونور از فرانسه
- نشان درجه یک فرهنگ و علوم از فرانسه (مزین، ۱۳۶۳، ص ۶۰۴).^{۴۱}

درگذشت مزین الدوله

علی اکبرخان نقاشباشی (مزین الدوله) در ۲۳ آذر ۱۳۱۱ خ. / ۱۹۳۲ م. بر اثر سکت قلبی در تهران درگذشت و در مقبره خانوادگی خود در ابن بابویه به خاک سپرده شد. محمود هدایت ابیات زیر را به مناسبت فوت او سرود که بر سنگ مزار وی نوشته شده بود (مزین، ۱۳۶۳):

آسمانِ جلال و علم و هنر	کانِ فضل و کمال و فخر و تبار
علی اکبر مزین الدوله	زیبِ دربارِ دوره قاجار
در طریقت سپهر سیر و سلوک	در حقیقت مظاهر الانوار
فکر و رای رزین او می بود	در همه عمر کاشف الاسرار
ای دریغا که این سپهر کمال	در دل خاک تیره یافت قرار
سزدار مام دهر خون گرید	زین مصیبت الیالابد زنهار
سال عمرش رسید قرب نود	تا که شد سوی کعبه دلدار
بیست و سوم بد از مه آذر	سیصد و یازده ز بعد هزار

این آرامگاه نیز سال‌ها بعد به دلیل توسعه صحن آرامگاه شیخ صدوق تخریب شد (قاصد نیوز، ۱۳۹۰).

فرزندان مزین الدوله

مرحوم علی اکبرخان نقاشباشی (مزین الدوله) در دوران زندگی خود، دو بار ازدواج کرد. از همسر اول صاحب یک پسر و سه دختر شد که به ترتیب سن نظام الدین (نظام الممالک)، عالیه، فرخنده و نیره نام داشتند.

در ۱۲۹۸ ق. با طوبی خانم دخترعموی همسر اول که پدرش محمدعلی تهرانی از بازرگانان معتبر پایتخت بود، ازدواج کرد و ثمره این ازدواج، چهار پسر و چهار دختر به نام‌های زیر بود: توران، حسین، عذرا، فاطمه (فخر ایران)، آذر دخت، منصور (امیر منصور)، مظفر و ناصر.^{۴۲}



پی‌نوشت:

۱- اسناد، فرامین و به‌ویژه شجره‌نامه این خانواده در دوران انقلاب مفقود شده و تاکنون اطلاعی از آن‌ها موجود نیست. ضمن آنکه سند شماره هشت نشان می‌دهد اولاً این اسناد وجود داشته و ثانیاً از نوع نوشته و روش مکاتبه برمی‌آید که اسناد مذکور مهم و قابل‌توجه بوده‌اند.

۲- به اعظم واقفی، سیدحسین (۱۳۸۴). میراث فرهنگی نطنز، ج ۲، قسمت ۲، ص ۱۲، مراجعه کنید. چنانچه می‌دانیم و در قباله ازدواج مزین‌الدوله نیز قید شده محمدحسین‌خان لقب میرزایی داشته که در آن دوران به اشخاص با سواد و اهل قلم اطلاق می‌شد.

۳- مرحوم دکتر محبوبی‌اردکانی با اقتباس از خاطرات ممتحن‌الدوله، به اشتباه علی‌اکبرخان را پسرعموی حسین نطنزی از خانه‌زادان میرزا هاشم‌خان [برادر کوچک‌تر فرخ‌خان] که بعد از او لقب امین‌الدوله گرفت، معرفی کرده است درحالی‌که اگر منظور معرفی مزین‌الدوله بود باید از پدر وی یاد می‌کرد نه پسرعموی او (تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران، ج ۲، ص ۲۸۹) و برخی از محققان دیگر هم با استناد به نوشته‌های اردکانی همین اشتباه را مرتکب شده و تکرار کرده‌اند. در ضمن ممتحن‌الدوله در ذکر تعداد دانش‌آموزانی که با او به ایران مراجعه کردند، فراموش کرده اسم پسرعموی حسین نطنزی را نیز که به‌نظر می‌رسد یکی از این شاگردان بوده در خاطرات خود بیاورد و به اشتباه از او یاد کرده درحالی‌که تاکنون در هیچ سندی دیده نشده که مزین‌الدوله را به هاشم‌خان منتسب و مربوط کنند. چنانچه دقت شود ممتحن‌الدوله تقریباً ۴۰ سال بعد از مراجعت به تهران، اقدام به نوشتن خاطرات خود کرده لذا کاستی‌ها و اشتباهاتی در یادداشت‌های او دیده می‌شود که موجب شده تا نویسندگان بعدی نیز به اشتباه بیفتند (به خاطرات ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۲، به‌کوشش حسینقلی‌خان شقاقی، تهران، انتشارات فردوس، فصل ۳، ص ۱۲۰، مراجعه کنید).

۴- ابوطالب معروف به فرخ‌خان امین‌الدوله (۱۲۳۰-۱۲۸۸ ق.) از رجال سیاسی عهد قاجار در اوایل جوانی از کاشان به تهران آمد و پیشخدمت خاصه دربار فتح‌علی‌شاه شد. وی در ۱۲۴۹ ق. با درجه سرهنگی همراه محمدمیرزا (فرزند عباس‌میرزا) به خراسان رفت. در ۱۲۵۲ ق. حاکم گرگان، در ۱۲۵۳ ق. مدت چهارماه حاکم اصفهان، در ۱۲۵۵ ق. مدت هشت‌ماه حاکم گیلان بود. در ۱۲۷۲ ق. به فرمان ناصرالدین‌شاه با سمت ایلچی (سفیر) کبیر، روانه دربار ناپلئون سوم شد و ۱۰ سال در مأموریت سفارت بود. وی ضمن انعقاد عهدنامه پاریس در رجب ۱۲۷۳ ق.، با وساطت ناپلئون میان ایران و انگلستان عهدنامه‌ای منعقد کرد. در ۱۲۷۵ ق. به ایران بازگشت و در همان سال به پیشنهاد او ۴۲ محصل ایرانی برای تحصیل به فرانسه رفتند. در ۱۲۷۶ ق. عضو مجلس شورای دولتی و در ۱۲۸۰ ق. وزیر داخله شد. در ۱۲۸۳ ق. شغل وزارت حضور همایون با وی بود و در ذی‌الحجه ۱۲۸۳ با سمت وزیر دربار، همراه ناصرالدین‌شاه به خراسان رفت (برگرفته از مخزن‌الوقایع، سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله نوشته حسین‌بن عبدالله سرابی، به‌کوشش کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی، اساطیر، ۱۳۷۳؛ مهدی صدری، دایرة‌المعارف تشیع،



مدخل غفاری کاشانی، ج ۱۲، ص ۱۱۳).

۵- به مقاله مجدالاسلام کرمانی با عنوان سفرنامه کلات: فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران؛ جلد ۱؛ دانشگاه اصفهان مراجعه کنید. مجدالاسلام گرچه سند به خصوصی ارائه نداده اما همین اندازه که از میان ۴۲ دانش آموز همراه فرخ خان به اروپا، فقط از مزین الدوله اسم برده می توان نزدیکی میان پدر او با فرخ خان را برداشت کرد. گفتنی است در یادداشت های حسین بن عبدالله سرابی با عنوان مخزن الوقایع که در این سفر منشی فرخ خان امین الدوله بوده و وقایع سفر را نوشته، نام علی اکبرخان (شاید به دلیل خردسالی او) آورده نشده یا اینکه شاید مجدالاسلام کرمانی در این مورد اشتباه کرده باشد.

۶- به صدیق اعلم، عیسی (۱۳۳۶)، تاریخ فرهنگ ایران، دانشگاه تهران: مهر، ص ۳۳۸، مراجعه کنید.
۷- Aleksander Borejko chodzko (متولد ۱۸۰۴م. - فوت ۱۸۹۱م.) عضو انجمن شرق شناسی آکادمی روسیه وابسته به وزارت خارجه روسیه بود. از ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۴ مقارن با سال های سلطنت محمدشاه قاجار، کنسول روسیه در رشت بود و با زبان و ادب فارسی نیز آشنا شد. کتاب های سرزمین ایران؛ ترانه های محلی ساکنان کرانه های جنوبی دریای خزر؛ و نامه های گیلان که هر سه به فارسی ترجمه شده اند از اوست. از ۱۸۵۲ تا ۱۸۵۵ در وزارت خارجه فرانسه بود و از ۱۸۵۷ تا ۱۸۸۳ ریاست دپارتمان زبان و ادبیات اسلامی در کلژدوفرانس را به عهده داشت. وی عضو انجمن آسیایی سلطنتی انگلستان و ایرلند و نیز عضو انجمن زبان شناسی پاریس بود. منوچهر ستوده در کتاب از آستارا تا استارباد (انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) نام وی را خچکو ثبت کرده است.

۸- به وبگاه پوریا ناظمی. آرزو می خواه لیک اندازه خواه pourianazemi.com مراجعه کنید.
۹- در جلد اول المآثر و الآثار از میرزا علی اکبرخان نقاشباشی به عنوان معلم ایرانی مدرسه دارالفنون در رشته نقاشی و زبان فرانسه و نیز سرتیپ سیم نام برده شده (به اعتمادالسلطنه محمدحسن خان، المآثر و الآثار، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۴۰۳، مراجعه کنید؛ همچنین به اثر دیگر اعتمادالسلطنه با عنوان مطلع الشمس. تهران، انتشارات پیشگام، ۱۳۶۲. ج ۱. در وقایع ۱۳۰۱ق. ص ۵۲ و نیز ج ۳ (ص ۴۱) مراجعه کنید. در ذکر وقایع ۱۳۰۳ق. اعتمادالسلطنه از علی اکبرخان به عنوان معلم نقاشی و زبان فرانسه دارالفنون یاد کرده است. برای اطلاع بیشتر در مورد مزین الدوله به حسین بن عبدالله سرابی، مخزن الوقایع، سفرنامه فرخ خان امین الدوله؛ محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۸). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران؛ افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، ص ۱۹۸؛ بامداد، مهدی (۱۳۴۷)، تاریخ رجال ایران، زوار، ج ۲، ص ۴۲۶ و ج ۳، ص ۲۶۴؛ بخش تعلیقات مرآت القاسان، نوشته عبدالرحیم ضرابی (سهیل)، چاپ ایرج افشار، ۱۳۴۱. ایرانشهر، جلد ۲، چاپخانه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۳ شمسی، ص ۱۱۹۸ مراجعه کنید.



11- Jean Auguste Dominique Ingres(17801867.)

12- Saint Cyr

۱۳- گفتنی است مطابق یادداشت‌های ممتحن‌الدوله در مراجعت مزین‌الدوله و شش دانشجوی دیگر (از جمله مهندس‌الممالک و ممتحن‌الدوله) به ایران، چون پول این عده در بین راه تمام شده بود، اسلحه همراه مزین‌الدوله را فروختند تا با پول آن بعضی احتیاجات خود را تأمین کنند (خاطرات ممتحن‌الدوله، ۱۳۵۲، تهران: امیرکبیر، ص ۱۱۷).

۱۴- همچنین به سند شماره یک پیوستی در انتهای مقاله مراجعه کنید.

۱۵- ابوالحسن‌خان نقاشباشی (صنیع‌الملک) در ۱۲۲۹ق. در کاشان زاده شد. پس از تحصیلات مقدماتی و آموختن هنر نقاشی در ۱۲۵۸ق. به دربار محمدشاه راه یافت و به خلق آثار نقاشی پرداخت. در ۱۲۶۲ق. به‌دستور محمدشاه به ایتالیا رفت و در موزه‌های رم و فلورانس به رونوشت‌برداری از آثار نقاشان آن دیار پرداخت. از جمله تابلوی رافائیل موسوم به مادونای فولین لو را کپی کرد و پس از چهار سال اقامت در ایتالیا و کسب فنون نقاشی اروپا به ایران بازگشت. در ۱۲۷۳ق. تالار نظامیه معروف به عمارت لقانطه را برای میرزا آقاخان نوری نقاشی کرد. در ۱۲۷۷ق. به فرمان ناصرالدین‌شاه انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه به او سپرده شد و نام آن را از شماره ۴۷۱ به روزنامه وقایع تغییر داد و نشان شیر و خورشید این روزنامه از کارهای نقاشی اوست. بعد از انتشار چند شماره، ناصرالدین‌شاه به او لقب نقاشباشی و صنیع‌الملکی را اعطاء کرد. ابوالحسن‌خان برای نخستین‌بار مکتب‌خانه نقاشی را در ایران تأسیس کرد و علاوه‌بر آن تابلوهای متعددی از ابنیه کاخ گلستان و موضوعات دیگر کشید. اثر مهم دیگری که از او به یادگار مانده کتاب بزرگ مصور شش‌جلدی الف لیله و لیله است که در موزه کاخ گلستان موجود است. او نقاشی مجلس‌های کتاب مذکور را در مدت هفت‌سال به پایان برد. قطع مجلدات مذکور رحلی و اندازه آن ۴۵×۳۰ سانتیمتر است (به بدری آتابای، فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی و کتاب هزار و یک شب، ج ۲، تهران، بی‌نام، ۲۵۳۵، ص ۱۳۹۲-۱۳۷۵ مراجعه کنید). صنیع‌الملک مقارن ۱۲۸۳ق. درگذشت (برگرفته از: مهدی صدری، ذیل مدخل غفاری‌کاشانی، دایره‌المعارف تشیع، ج ۱۲، ص ۱۱۲).

۱۶- در بعضی منابع مانند مجله آموزش و پرورش (سال ۲۴، ش ۱) از او با نام گفتان یاد شده که درست نیست به‌ویژه که محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در جلد دوم مرآت‌البلدان ص ۴۸، نام و املائی کنستان را جزو معلمان قدیم دارالفنون ذکر کرده است.

17- Perspective

۱۸- به کریم‌زاده تبریزی (۱۳۶۵)، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، لندن، ج ۱، ص ۳۷۷ و مقاله محمدعلی دولتشاهی با عنوان میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله، مجله اسپند، سال ۶، شماره ۲۶ مراجعه کنید.

۱۹- مراجعه کنید به: نوایی، عبدالحسین (۱۳۲۹)، اطلاعات ماهانه، س ۲، ش ۵، ص ۴۵ و ۴۶.

۲۰- مراجعه کنید به: مجله اسپند (سال ۶) و مجله میراث ایران (پاییز ۱۳۷۷) هر دو مجله در آمریکا منتشر



می‌شوند.

۲۱- مراجعه کنید به: روشنی زعفرانلو، قدرت‌الله (۱۳۴۴)، امیرکبیر و دارالفنون، انتشارات دانشگاه تهران،

ص ۶۱

۲۲- مراجعه کنید به: همچنین به صدری، مهدی، دایرةالمعارف تشیع، ج ۱۲، ذیل مدخل غفاری کاشانی،

ص ۱۱۵ و ۱۱۶ .

۲۳- نمایشنامه میزانتروپ (Misanthrope) اثر مولیر را میرزا حبیب اصفهانی از ادبای خوش ذوق و قریحه قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ هجری با نام مردم گریز ترجمه کرد و به‌نظم درآورد. او ابتدا این نمایشنامه را در روزنامه اختر و بعد به‌طور مستقل در ۱۲۸۶ق. در استانبول چاپ و منتشر کرد. مترجم به این اثر کسوت تازه‌ای پوشاند و اخلاق و حالات و صفات و اسامی اشخاص را تغییر داد و گاهی به‌جای عبارات فرانسوی، عباراتی هم‌سنگ آن‌ها از فارسی قرار داد (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: آیین‌پور، یحیی (۱۳۵۷)، از صبا تا نیما، ج ۱، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ص ۳۷-۳۴۱ و ۳۹۵-۴۰۲).

۲۴- به موحد دیلمقانی خلیل، روشنفکران عصر قاجار، مجله امید، ش ۲ (نوامبر و دسامبر ۱۹۸۷)؛ خاطرات دکتر محمدحسین ادیب؛ امیرکبیر و دارالفنون، جمع‌آوری قدرت‌الله روشنی‌زعفرانلو، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، ص ۶۳ و ۶۴

۲۵- در زمان فتح‌علی‌شاه هیئت همراه سفیر روسیه در تبریز با موزیک نظامی نزد عباس میرزا رفت و پس از آن بود که او مایل شد موزیک نظام را در ایران تأسیس کند ولی این کار در آن زمان انجام نشد و در ۱۲۷۳ق. مطابق ۱۲۳۵خ. به درخواست ناصرالدین‌شاه دو کارشناس موسیقی نظام به نام‌های بوسکه و رویون از سوی دولت فرانسه به ایران آمدند و دسته موزیک نظامی به روش فرانسه را در ایران ایجاد کردند. دو سال بعد با بازگشت بوسکه به فرانسه و چندی بعد با فوت رویون در تهران (۱۲۸۴ق.) در این راه توفیقی حاصل نشد (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: جوادی، غلامرضا (۱۳۸۰)، موسیقی ایران از آغاز تا امروز، ج ۱، تهران: نشر همشهری؛ درویشی، محمدرضا (۱۳۶۷ و ۱۳۶۸)، تأثیر موسیقی غرب بر موسیقی ایران، فصلنامه آهنگ، ش ۲ و ۳).

۲۶- آلفرد ژان باتیست لومر A. Lemaire پیش از آمدن به ایران معاون هنگ اول گارد پرنده نظام فرانسه بود و وقتی به ایران آمد به دانشجویان بخش موسیقی دارالفنون آموزش داد و به موسیقی ایرانی هارمونی را معرفی کرد، قطعات زیادی با الهام از موسیقی ایرانی ساخت و برای ثبت موسیقی سنتی ایران کوشید. لومر از کتاب تئوری موسیقی نوشته مسیو کوهن برای تدریس محصلین استفاده می‌کرد که مزین‌الدوله این کتاب را به فارسی برگرداند و در ۱۳۰۱ق. در چاپخانه دارالفنون چاپ کرد. لومر در اسفند ۱۲۸۸ در تهران دیده از جهان فرو بست.

۲۷- مراجعه کنید به: آریان‌پور، امیراشراف (۱۳۹۳)، موسیقی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تهران: فرهنگستان هنر، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، ص ۴۱.



28- Diamant

۲۹- مراجعه کنید به: صفایی ابراهیم، اسناد نو یافته، سند ۳۷، (۲۰۱۶۰۷۱۶_jpg۲۱۴۷۴۵) مراجعه کنید. همچنین به تصاویر شماره ده و سیزده در پیوست مقاله مراجعه کنید.

30- Art Now

۳۱- مقبره کنونی حافظ در ۱۳۱۴ خ. در زمانی که علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ بود از سوی آندره گدار (هنرمند و معمار فرانسوی) طراحی و در ۱۳۱۷ خ. ساخته شد. تا پیش از آن در محل ایوان جوار مقبره حافظ ۴ ستون از زمان کریمخان زند باقی بود و گدار با حفظ این ستون‌ها و به نشانه قرن بیستم، ۱۶ ستون دیگر به آن افزود.

۳۲- به عکس مقبره حافظ، تصویر شماره چهارده در تصاویر پیوستی، مراجعه کنید.

۳۳- به عنوان نمونه به شماره ۱۰۰ مجله Le Figaro مورخ ۱۰/۰۴/۱۹۰۵، ص ۱ و شماره ۱۳۷۳۹ مجله Le Temp ص ۳، مورخ ۱۷/۰۱/۱۸۹۹ مراجعه کنید.

۳۴- به تصویر شماره هجده معلمان این کلاس در تصویر پیوست مقاله مراجعه کنید.

۳۵- به تصویر شماره نوزده احمدشاه و همکلاسی‌ها در تصویر پیوست مقاله مراجعه کنید.

۳۶- یک برگ از کتاب مربوط به گفتار بزرگان به دستخط مزین الدوله در سند شماره سه آمده است.

۳۷- به مقاله دکتر مهرداد مزین در ایران نامه، سال دوم، ص ۶۰۳ مراجعه کنید.

۳۸- به نامه مزین الدوله در سند شماره سه پیوست در انتهای مقاله مراجعه کنید.

۳۹- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: اسناد موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در مورد پرداخت مساعده و انعام هیئت دولت به او در سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۹ که از میان آن‌ها چند سند (اسناد شماره چهار، پنج، شش و هفت) انتخاب شده و در پایان مقاله درج شده است.

۴۰- فرمان این نشان در پیوست شماره دو درج شده است.

۴۱- اشخاص دیگری مانند آذری و اعظم‌واقفی نیز در نوشته‌ها و آثار خود به این نشان‌ها اشاره کرده‌اند.

۴۲- آقای سیدحسین اعظم‌واقفی در کتاب میراث فرهنگی نطنز، ج ۲، بخش ۲ نتیجه ازدواج اول مزین الدوله را دو دختر ثبت کرده‌اند و نام یکی از دختران را ملیحه نوشته‌اند. همچنین حاصل ازدواج دوم وی را ۴ پسر و ۳ دختر ذکر کرده‌اند که در این دو مورد اشتباه شده است.

منابع:

- ابهری، حبیب‌الله (۱۳۴۴). مجله هنر و مردم، شهریور ۱۳۴۴، ص ۱۰.

- ادیب، محمدحسین (۱۳۵۴). یادگارهایی از دارالفنون قدیم، مندرج در کتاب امیرکبیر و دارالفنون، به کوشش قدرت‌الله روشنی‌زعفرانلو.

- آذری، علی (۱۳۴۲). میرزا علی اکبرخان نقاشباشی. مجله پیام نوین، سال پنجم، ص ۷۵-۹۶.

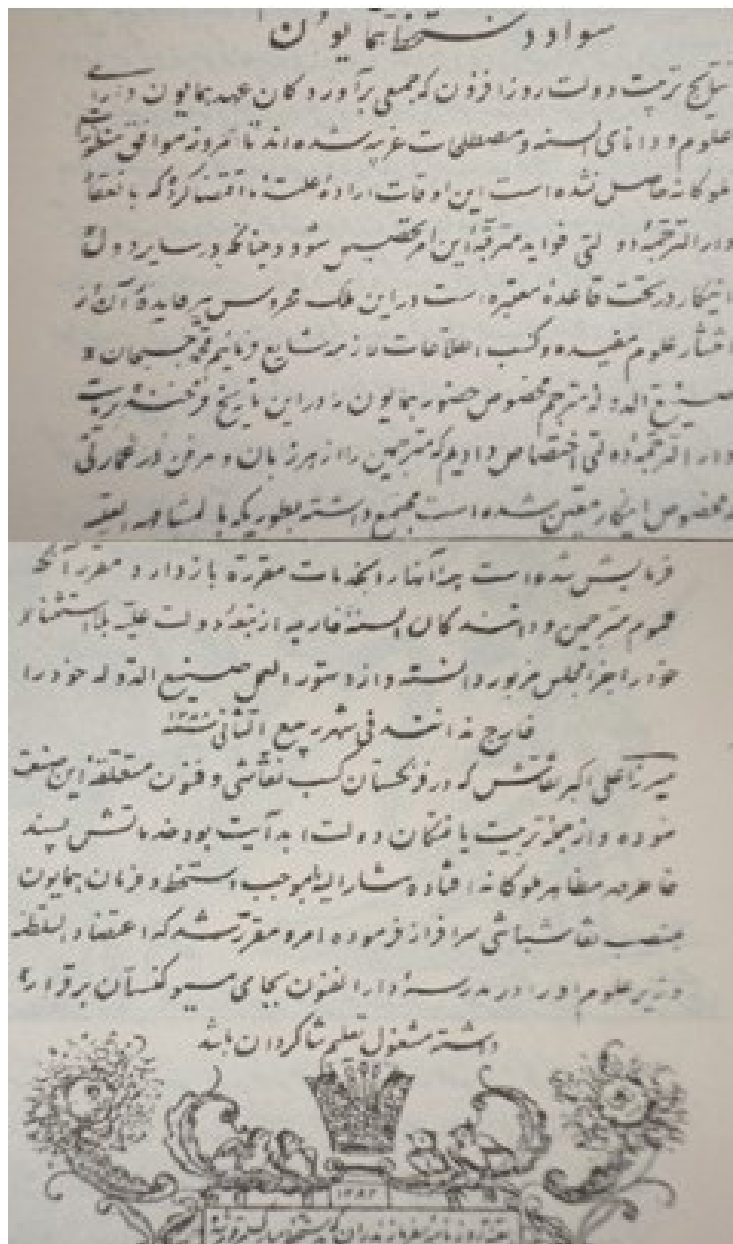


- آغداشلو، آیدین (۱۳۹۴). *گفتارها و گفت‌وگوهای دیگر*. تهران: کتاب آبان.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ*. به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *کتاب ایران: تاریخ هنر*. تهران: الهدی.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. تهران: زوار.
- *تاریخ فرهنگ ایران زمین*، تهران، چاپخانه سازمان تربیت علم و تحقیقات تربیتی، ۱۳۴۲ ش.
- *چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران*، چاپ فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۵۷، ص ۱۵۲.
- حسینی‌راد، عبدالمجید (۱۳۷۸). *چند کلمه درباره نقاشی معاصر ایران*. *مطالعات هنرهای تجسمی*، ش ۷، ص ۱۸۰-۱۹۱.
- خالقی، روح‌الله (۱۳۵۳). *سرگذشت موسیقی ایران*. ج (۱)، تهران: صفیعلی‌شاه.
- دست‌نوشته‌های منتشرنشده سرلشکر منصور مزین (فرزند مزین‌الدوله).
- *روزنامه ایران*، جمعه ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ ق.
- *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه سالور* (۱۳۷۴). به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور، تهران: اساطیر.
- *روزنامه دولت علیه ایران*، شماره ۵۷۰، مورخ ۱۵ ذیحجه ۱۲۸۱ ق، ص ۷.
- *سالنامه دبیرستان علمیه*، تهران، سال تحصیلی ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵. ص ۹۰.
- *سالنامه وزارت معارف*، ۱۲۹۷ شمسی، ص ۶۹۶.
- سپهر، مورخ‌الدوله (۱۳۶۲). *ایران در جنگ بزرگ*. تهران: ادیب.
- سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲). *اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه*. تهران: بنیاد.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۶۸). *سیمای احمدشاه قاجار*. تهران: نشر گفتار.
- عمیدی‌نوری، ابوالحسن (۱۳۸۱). *یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار (تحولات نیم قرن تاریخ معاصر ایران از نگاه ابوالحسن عمیدی)*. ج ۱، به کوشش مختار حدیدی و جلال فرهنگد، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فرصت‌شیرازی، محمد نصیر بن جعفر (فرصت‌الدوله) (۱۳۳۷). *دیوان فرصت*. به کوشش علی زرین‌قلم، تهران: کتابفروشی سیروس.
- قاصد نیوز، تخریب سنگ قبرهای تاریخی در ابن‌بابویه، ۱۴ آبان ۱۳۹۰، کد خبر: ۸۷۰۹.
- کریمی، بهمن (۱۳۷۷). *راهنمای آثار تاریخی شیراز*. تهران.
- محبوبی‌اردکانی، حسین (۱۳۷۸). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران*. ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مزین، مهرداد (۱۳۶۳). *پیشرفت فرهنگ و علوم در ایران*، میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نقاشباشی.
- *فصلنامه ایران‌نامه*، ش ۸، ص ۵۹۵-۶۱۰.



- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). شرح زندگانی من. ج (۱). ج ۲، تهران: انتشارات زوار.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱). دایرةالمعارف فارسی مصاحب. تهران: امیرکبیر.
- معتضد، خسرو (۱۳۷۵). ناکامان کاخ سعدآباد. ج (۲)، تهران: زرین.
- ملاح، حسینعلی (۱۳۴۵). تاریخ موسیقی نظامی در ایران. تهران: انتشارات مجله هنر و مردم.
- نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- نصیرفر، حبیب‌الله (۱۳۷۴). سیمای هنرمندان ایران، سینما، تئاتر، موسیقی. ج (۱)، تهران: صغیعی‌شاه.
- نصیری‌مقدم، محمدنادر (۱۳۹۰). سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ. تهران: چاپخانه مجلس.
- یادنامه کمال‌الملک (۱۳۷۹). به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر به‌دید.





سند شماره یک

رونوشت فرمان ناصرالدین شاه در مورد اعطای لقب نقاشباشی به علی اکبرخان [مزمین الدوله] و انتصاب او به سمت معلمی دانش آموزان دارالفنون به جای مسیو کنستان



سند شماره دو

اعطای نشان استانیسیلاس به مزمین الدوله از سوی نیکلای دوم امپراتور روسیه (۱۹۱۴ م.)

Altesse

Je vous demande bien pardon
de vous adresser la parole selon
mon habitude ;

Etant prince, instruit,
ayant soixante ans : un tel
personnage ne doit jamais
manquer à sa parole, surtout
quand il s'agit d'une chose si
facile et si simple !

Tout à vous
Nogayan

سند شماره سه

یادداشت نصیحت‌آمیز مزین‌الدوله (به زبان فرانسه) به یکی از شاهزادگان قاجار (به خط خودش)

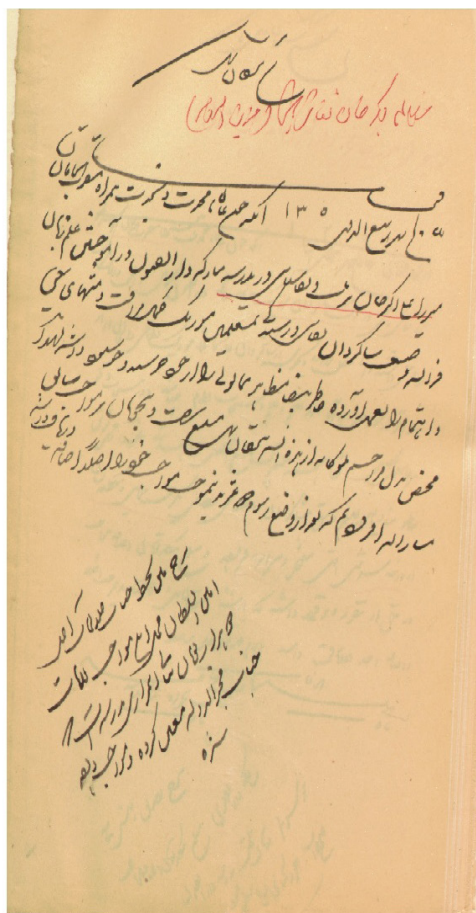


میرزا علی اکبرخان نقاش‌باشی (مزین‌الدوله)

به تاریخ شهر ربیع‌الاول ۱۳۰۵ [ق] آنکه چون عالیجاه مجدت و نجت همراه مقرب‌الخاقان میرزا علی اکبرخان سرتیپ و نقاش‌باشی در مدرسه مبارکه دارالفنون در آموختن علم زبان فرانسه و صنعت به شاگردان نقاشی و رسیدگی به متعلمین موزیک کمال مراقبت و منتهای سعی و اهتمام را به عمل آورده خاطر بنده مظاهر همایونی را از خود خرسند و خوشنود داشته فرمودند محض بذل مراحم ملوکانه از هذه السنه سیچقان ثیل مبلغ شصت و پنج تومان بر مواجب سابق مشارالیه افزودیم که [بعد از] وضع مرسوم دو [عشر] بدین موجب مواجب خود را اصلاً اضافه دریافت داشته [در هاشم:] شرح متن به خط جناب جلالت‌مآب اجل امین‌السلطان محل این مواجب از بابت دو هزار تومان سالی استمراری مدرسه است که جناب مخیرالدوله معین کرده و مواجب داده شده

میرزا علی اکبرخان نقاش‌باشی (مزین‌الدوله)
بتاریخ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۳۰۵ [ق] آنکه
چون عالیجاه مجدت و نجت همراه مقرب
الخاقان میرزا علی اکبر خان سرتیپ و
نقاش‌باشی در مدرسه مبارکه دارالفنون در
آموختن علم زبان فرانسه و صنعت شاگردان
نقاشی و رسیدگی متعلمین موزیک کمال رافت
و منتهای سعی و اهتمام را بعمل آورده و
خاطر بنده مظاهر همایونی را از خود خرسند و
خوشنود داشته که محض بذل و رحم ملوکانه از
هذه السنه سیچقان ثیل ... رحمت و سبوهان بر
مواجب سابق مشارالیه امر فرمودیم که بعد از
وضع رسوم دو عشر و نیم حسب مواجب خود
را اصلاً اضافه دریافت داشته.

شرح متن بخط جناب جلالت‌مآب اجل امین
السلطان. محل این مواجب ... دو هزار تومان
سالی استمراری مدرسه است که جناب
مخیرالدوله معین کرده و مواجب داده شده.



سواد فرمان ناصرالدین شاه در خصوص
برقراری مواجب واعطای منصب در سالهای
۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ هجری قمری.
سند خطی موجود در کتابخانه و مرکز اسناد
ملی ایران تحت شماره ۳۶- ۶۰، صفحه ۲۳.

سند شماره چهار

سواد فرمان ناصرالدین شاه در مورد افزایش حقوق مزین‌الدوله در سال ۱۳۰۵ ق. موجود در
سازمان اسناد ملی ایران (شماره ۳۶- ۶۰ ص ۲۳)



تاریخ ثبت ۱۷

ریاست وزراء

نمره عمومی ۱۲۵۹۴

اسفندماه ۱۳۰۵

وزارت جلیله مالیه

به طوری که با نواب اشرف والا آقای وزیر مالیه در هیئت وزرا مذاکره به عمل آمد قرار شد از بابت وجه تصویب نامه انعام مقرر دربارہ آقای مزین الدوله عجلتاً یکصد و بیست و هشت تومان که از قسمت انعام دولت محل موجود است به مشارالیه تأدیه شود تا بقیه آن از اعتبار سال ۱۳۰۶ پرداخت گردد. قدغن خواهید فرمود ترتیب امور را در اسرع اوقات به موقع اجرا گذارند. امضاء

(شماره سند ۱۳ - ۱۲۵۹ - ۲ موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر)

۲ نمره (۸)

نمره عمومی ۱۲۵۹۴

نمره خصوصی

کارن ۶۵۴۳۹

دوبسه

تاریخ ثبت ۱۷ اسفندماه ۱۳۰۵ [شمسی]

نمره عمومی ۱۲۵۹۴

ریاست وزراء

نوع مسوده

موضوع مسوده

شعبه

مسؤل بایک نویس

تاریخ ثبت ۱۷ اسفندماه ۱۳۰۵

وزارت جلیله مالیه

بظوریکه نواب اشرف والا آقای وزیر مالیه در هیئت وزراء مذاکره بعمل آمد قرار شد از بابت وجه تصویب نامه انعام مقرر دربارہ آقای مزین الدوله عجلتاً یکصد و بیست و هشت تومان که از قسمت انعام [محل] اعتبار دولت موجود است به مشارالیه تأدیه شود تا بقیه آن از اعتبار سال ۱۳۰۶ پرداخت گردد. قدغن خواهید فرمود ترتیب امور را در اسرع اوقات به موقع اجرا گذارند.

امضاء

۱- در اصل سند «اعتبار دولت محل» آمده است.

این سند به شماره ۱۳-۱۲۵۹-۲ در مرکز اسناد تاریخ معاصر ایران نگهداری می شود.

۱۹۱۱

سند شماره پنج

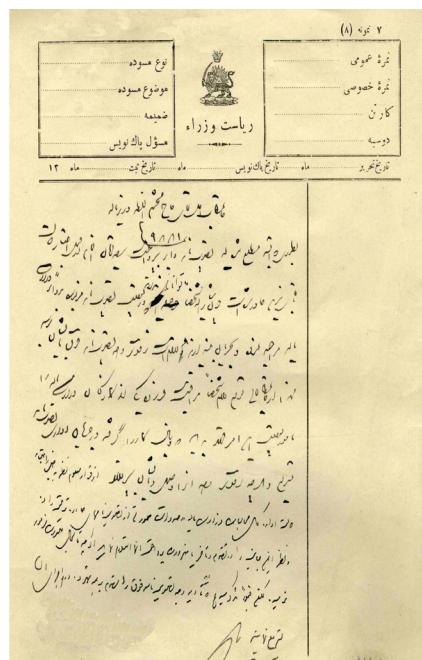
دستور رئیس الوزراء (مستوفی الممالک) به وزیر مالیه مبنی بر پرداخت ۱۲۸ تومان انعام از محل اعتبار دولت به مزین الدوله

ریاست وزراء

جناب مستطاب اجل آقای حاج محتشم السلطنه وزیر مالیه

به طوری که البته مطلع شده‌اید تصویب‌نامه نمره ۹۸۸۱ دایر به پرداخت سیصد تومان انعام از محل اعتبار دولت به آقای مزین صادر شده است. چون مشارالیه شخصاً توانایی ندارند در تعقیب نامۀ مزبوره به دوائر وزارت مالیه مراجعه نموده و به جریان بیندازند [و] لازم است زودتر وجه تصویب‌نامه فوق به ایشان برسد لهذا از جناب مستطاب عالی توقع دارم شخصاً مراقبت فرموده یکی از کارکنان وزارت مالیه را مأمور تعقیب این امر قرار بدهید که دنبال کار را گرفته در جریان اداری تصویب‌نامه تسریع و هرچه زودتر وجه آن را وصول و به ایشان بپردازد. از قرار معلوم نظر به ضیق اعتبار دولت [۱] اداره کل محاسبات وزارت مالیه درصدد است صورتی از تصویب‌نامه‌های صادره ترتیب داده و نظر اینجانب را در تقدّم و تأخّر یا ضرورت پرداخت آن‌ها استعلام نماید [۲] اگر چه تا به حال صورت مزبور نرسیده لکن قبلاً تذکر می‌دهم که باید تأدیه وجه تصویب‌نامه فوق را مقدّم به همه نموده در اجرای آن تسریع نمائید. امضاء

(شماره سند ۱۴ - ۱۲۵۹ - ۲ موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر)



ریاست وزراء
تاریخ ثبت... ماه... ۱۳

جناب مستطاب اجل آقای حاج محتشم السلطنه وزیر مالیه

بطوری که باید مطلع شوید تصویب‌نامه دایر نمره ۹۸۸۱ پرداخت سیصد تومان انعام در محل اعتبار دولت به آقای مزین صادر شده است چون مشارالیه شخصاً جویسته توانایی نداشته است که در تعقیب تصویب‌نامه مزبوره به دوائر ادارات مالیه مراجعه نموده و به جریان بیندازد و مهم است زودتر وجه تصویب‌نامه فوق به ایشان برسد لهذا ارجاعات مالی موقع مهم شخصاً مراقبت ورزیده یکی از کارکنان وزارت مالیه را مأمور تعقیب این امر متعهد به این که پلکان کار را گرفته در جریان اداری تصویب‌نامه تسریع و هرچه زودتر وجه آن را وصول و به ایشان بپردازند. از قرار معلوم نظر به ضیق اعتبار دولت اداره کل محاسبات وزارت مالیه در صورتات معهود تا تصویب‌نامه‌های صادره ترتیب داده و نظر اینجانب را در تقدّم و تأخّر یا ضرورت پرداخت آنها استعلام نماید. اگر چه تا به حال صورت مزبور نرسیده لکن قبلاً تذکر می‌دهم که باید تأدیه وجه تصویب‌نامه فوق را مقدّم به همه نموده در اجرای آن تسریع نمائید. امضاء

۱- این سند مربوط به دوره ی ششم ققون نگاری و کلیتۀ دوم «حسن مستوفی» است که وزارت مالیه این کابینه که از تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۰۵ شمسی تا ۱۹ بهمن ۱۳۰۵ شمسی دوام داشت را «حسن استقبالی حاج محتشم السلطنه» بر عهده داشته است. سند مزبور نیز مربوط به همین تاریخ است.

این سند به شماره ۱۴- ۱۲۵۹- ۲ در مرکز اسناد تاریخ معاصر ایران نگهداری می‌شود.

سند شماره شش

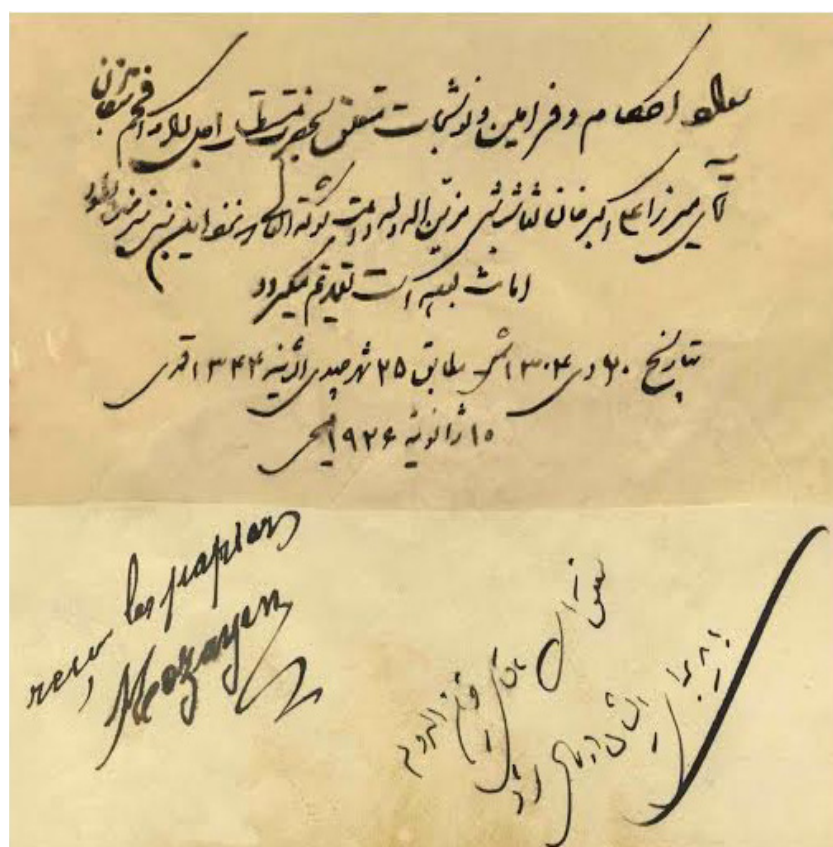
دستور رئیس الوزراء (مستوفی الممالک) به حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه) وزیر مالیه مبنی بر تسریع پرداخت ۳۰۰ تومان از محل اعتبارات دولت به مزین الدوله



سواد احکام و فرامین و نوشتجات متعلق به حضرت مستطاب اجل اکرم افخم بندگان آقای
میرزا علی اکبرخان نقاشباشی مزینالدوله
دامت شوکته‌العالی که نزد این بنده شرمنده به‌طور امانت بوده است تقدیم می‌گردد.
به تاریخ ۲۰ دی ۱۳۰۴ شمسی - مطابق ۲۵ شهر جمادی‌الثانیه ۱۳۳۴ قمری - ۱۰ ژانویه
۱۹۲۶ مسیحی

[در هامش:] متعلق است به آقای مزین‌الدوله؛ باید برای ایشان ارسال شود.

[در هامش:] مدارک دریافت شد. امضاء Mozayen



سند شماره هشت

سندی که نشان می‌دهد مزین‌الدوله تا اواخر دی‌ماه ۱۳۰۴ احکام، فرامین و مدارکی در اختیار داشته است.

(شماره سند ۱۰ - ۱۲۵۹ - ۲ موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)



تصاویر



تصویر شماره یک
نمونه‌ای از نقاشی - اثر مزین الدوله



تصویر شماره دو
نمونه‌ای از نقاشی - اثر مزین الدوله





تصویر شماره سه
نمونه‌ای از نقاشی - اثر مزین الدوله



تصویر شماره چهار
نمونه‌ای از نقاشی - اثر مزین الدوله





تصویر شماره شش

تصویر نقاشی میرزا عبدالوهاب خواجه‌نوری -
(نظام‌الملک) اثر علی‌اکبر خان مزین‌الدوله (۱۳۱۱ق.)



تصویر شماره پنج

تصویر نقاشی - ناصرالدین شاه اثر مزین‌الدوله
(۱۳۱۲ق.)



تصویر شماره هشت

عکس مزین‌الدوله در نخستین سال‌های حضور در
دربار ناصری



تصویر شماره هفت

تابلو نقاشی - مزین‌الدوله اثر خودش



تصویر شماره ده

این عکس با توجه به یادداشت زیر آن در آلمان گرفته شده که مزین‌الدوله در ۱۳۱۶ ق. در مأموریت آلمان بود؛ در سمت چپ او اعلم‌الدوله ثقفی و در سمت راست او احتمالاً قائم‌مقام تبریزی قرار گرفته‌اند.



تصویر شماره نه

عکس مزین‌الدوله





تصویر شماره دوازده

مزین الدوله در کنار دامادش (شوکت‌الممالک جلایر)؛
نفر ایستاده در پشت: حسین خان مزینی (فرزند دوم
مزین الدوله)؛ اطفال ردیف جلو: ناظمه خانم (نوه
مزین الدوله)، منصور و مظفر (فرزندان مزین الدوله)



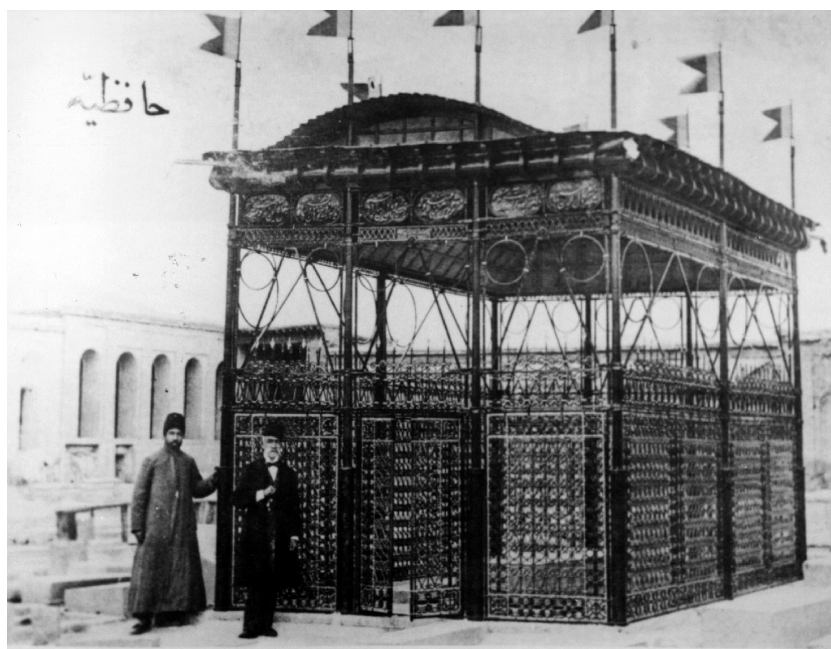
تصویر شماره یازده

مزین الدوله در کنار فرزند ارشدش
نظام‌الممالک (پدر سرتیپ علی اصغر مزینی)



تصویر شماره سیزده

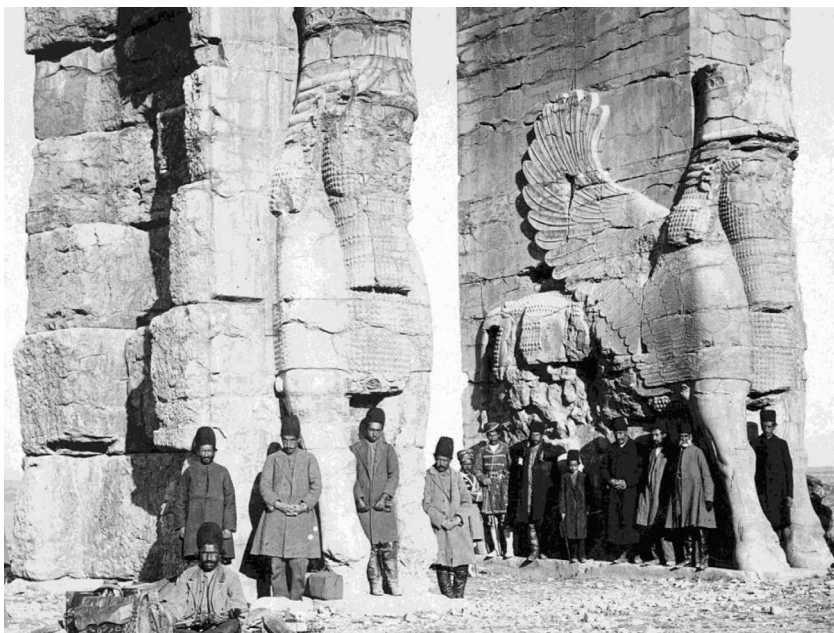
مزین الدوله و اعضای هیئت همراه در مأموریت آلمان (۱۳۱۶ق.)؛ نفر دوم از راست اعلم الدوله ثقفی و نفر
آخر مزین الدوله در عکس دیده می‌شوند.



تصویر شماره چهارده

(آرامگاه حافظ [حافظیه] که در ۱۳۱۹ ق. با دستور و طراحی مزین الدوله ساخته شد)
 علی اکبرخان مزین الدوله و فرصت الدوله شیرازی





تصویر شماره پانزده

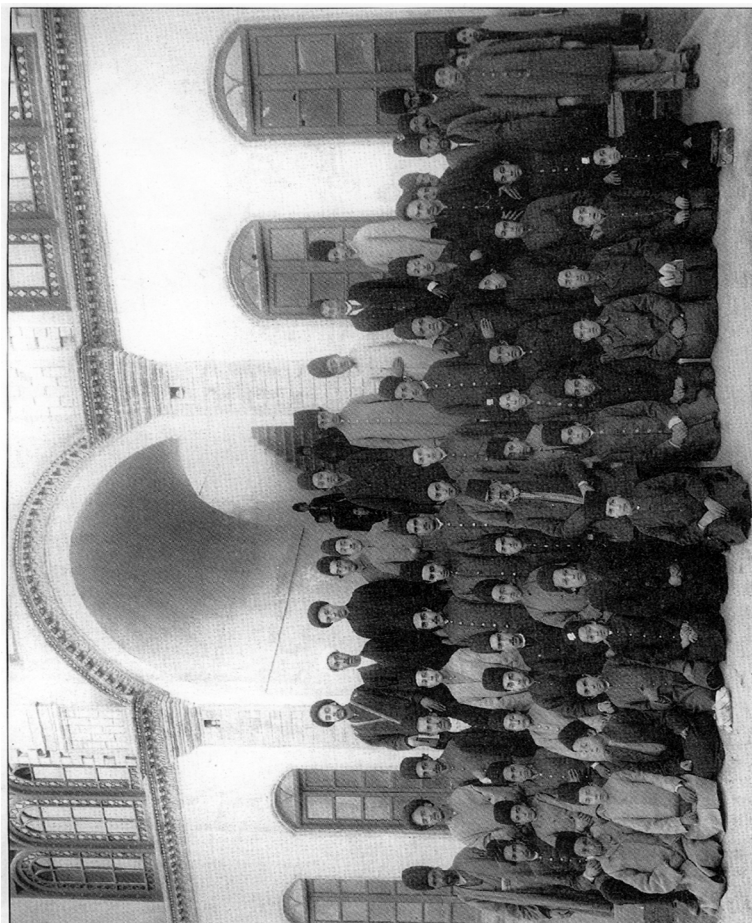
مزمین الدوله و افراد همراه او در تخت جمشید



تصویر شماره شانزده

مزمین الدوله و افراد همراه او در تخت جمشید





تصویر شماره هفده

علی اکبر خان مزین الدوله (مزین الدوله نقاشباشی) به اتفاق جمعی از محصلین مدرسه دارالفنون (۱۳۱۹ ق.)



تصویر شماره هجده

احمدشاه و محمدحسن میرزا (ولیعهد) با معلمین کلاس مخصوص شاه در کاخ گلستان (۱۳۲۸ق.)
 از راست: عمادالکتاب (معلم خط)، حاجی ملاباشی (معلم دینی)، دکتر کریم‌خان هدایت (پسر نیرالملک
 اول) معلم حفظ‌الصحه، مزین‌الدوله (معلم زبان فرانسه و رئیس کلاس)، محمد غفاری کمال‌الملک (معلم
 نقاشی)، امیرسهم‌الدین غفاری ذکاءالدوله (پسر نظام‌الدین خان مهندس‌الممالک) معلم ریاضی و جغرافیا،
 میرزا ابوالحسن خان گرانیامیه (پسر میرزا رضاخان مؤیدالسلطنه) و شاهزاده عباس میرزا سالارلشکر (پسر
 فرمانفرما) هر دو معلم تعلیمات نظامی، میرزا عباسقلی خان ممتازدیوان (برادر ممتازالدوله) معلم تعلیمات
 عمومی، محمدعلی فروغی (پسر ذکاءالملک اول) معلم تاریخ

